Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.18 (9); 2022, 271-346

دو فصلنامهٔ **نظریه و عمل در برنامهٔ درسی**
سال نهم، شمارهٔ ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ۳۴۶-۲۷۱

طراحی الگوی برنامه‌درسی شخصی شده مبتنی بر هنرمفهومی در دورهٔ ابتدایی [۱]

Designing a Personalized Curriculum Based on Conceptual Art in Elementary School

فرزانه تکبیری[۲]، دکتر محبوبه خسروی[۳] ، دکتر نعمت اله موسی پور[۴]، دکتر حسن ملکی[۵]، دکتر رضا افهمی[۶]

چکیده: هدف مقالهٔ حاضر طراحی الگوی‌برنامه‌درسی شخصی شده مبتنی بر هنرمفهومی در دورهٔ ابتدایی است. رویکرد مورد استفاده این پژوهش کیفی بوده و از روش‌های تحلیل مفهومی و سنتز-پژوهی استفاده شده است. جامعهٔ آماری شامل کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های حوزه‌های‌هنرپست‌مدرن و آموزش مبتنی بر هنر است. یافته‌های پژوهش، حاصل مطالعهٔ وسیع در منابع و مطالب اندیشمندان و آثار حوزهٔ هنرمفهومی بوده است که ۱۴ نوع از انواع هنرمفهومی در این پژوهش شناسایی و مورد تحلیل قرارگرفت؛ پس از استخراج ۱۸۰ ویژگی از روش تحلیل مفهومی، با استفاده از روش سنتز پژوهی نوع سوم ۳۹ مقولهٔ اولیه و در نهایت ۹ مقولهٔ اصلی بدست آمد. مقوله‌های اصلی به‌دست-آمده ه عبارتند از: استفاده از هنر در بستر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی/ رویکرد انتقادی و توجه به نقد به‌منظور تغییر ادراک/ داشتن رویکرد زیبایی‌شناسی فرهنگی و فرا فرهنگی/ توجه به هنر به‌عنوان بستر ظهور خلاقیت در مسیر توسعهٔ پایدار/ تعامل با مخاطب در تولید، معنا بخشی، نقد و تغییر اثر هنری/ رویکرد پایداری زیستی در بعد جهانی و منطقه‌ای/ امکان تنوع در ماده، تکنیک و رسانه در رساندن پیام/ امکان تلفیق هنرها و رسانه‌ها برای رساندن پیام/ بهره برداری از مفاهیم تحولات تکنولوژی در ادراک و ساختن مفاهیم.مقوله‌های اصلی بدست آمده با ارکان یادگیری شخصی (سبک، چگونگی، سطح، محتوا، راهبرد و روش تدریس، رسانه، ارزشیابی، وقت و مکان) تلفیق گردید و پیش‌نویس این جداول تهیه گردید. سپس به منظور اعتباریابی نظری با روش دلفی، در اختیار ۱۵ نفر از متخصصان حوزهای برنامه‌درسی، هنر و معلمان دورهٔ ابتدایی قرار داده شد و یافته‌ها مورد بازبینی قرارگرفت. درنهایت الگوی برنامه‌درسی مبتنی بر هنرمفهومی با رویکرد شخصی-سازی در دورهٔ ابتدایی طراحی و برای اجرا در سطح خرد (کلاس درس) ارائه گردید تا بتواند به برنامه‌ریزان درسی و معلمان برای تصمیم گیری یاری رساند.

واژگان کلیدی : الگوی برنامه‌درسی، هنرمفهومی، برنامه‌درسی شخصی‌شده، برنامه‌درسی دورهٔ ابتدایی

F. Takbirir, M. Khosravi (Ph. D), N. Moosapour (Ph. D), H. Maleki(Ph.D). R.Afhami (ph.D).

Abstract: The purpose of this article was to design a personalized curriculum based on conceptual art in elementary school. The approach used in this research is qualitative and the methods of conceptual analysis and synthesis research have been used. The statistical population includes books, articles, dissertations and research in the fields of modern art and art-based education. Throughout an extensive study of thinkers' sources and art works, 14 types of conceptual art were identified and analyzed, after extracting 180 features from the conceptual analysis method, using the synthesis research method of the third type, 39 primary categories and finally, 9 main categories have been obtained. The main categories are as follows: the use of art in the social, political and cultural context / critical approach and attention to criticism in order to change perception / having a cultural and transcultural aesthetic approach / attention to art to as a medium for the emergence of creativity in the path of sustainable development / interaction with the audience in the producing, giving sense, critique and change of the work of art / Bio sustainability approach in the global and regional dimensions / Possibility of diversity in material, technique and media in conveying the message / Possibility of integration of arts and media to convey a message / exploiting the concepts of technological developments in perceiving and constructing concepts.The main categories combined with the elements of personal learning (style, manner, level, content, teaching strategy and method, media, evaluation, time and place) and a draft of tables was prepared. Designing the curriculum model, in order to validate the theory through Delphi method, the research was forwarded to 15 curriculum and art experts as well as elementary school teachers to have the findings reviewed. Finally, a conceptual art-based curriculum with a personalization approach in elementary school was designed and presented for implementation at the micro level (classroom) to help curriculum planners and teachers make decisions.

Keyword: Curriculum Template, Conceptual Art, Personalized Curriculum, Elementary Curriculum.

---

۱. مقاله حاضر مستخرج از رسالهٔ دکتری است.تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

۲. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی،دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ، ایران ،(نویسنده مسئول) **رایانامه:** farzanetakbiri@yahoo.co

۳. استادیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه علامه طباطبائی،تهران، ایران **رایانامه** : khosravi12m@yahoo.com

۴. استاد گروه علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه هرمزگان ، ایران، رایانامه : n_mosapour@yahoo.com

۵. استاد گروه علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، رایانامه : malaki_cu@yahoo.com

۶. دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس. تهران، ایران، رایانامه: afhami@modares.ac.ir

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

مقدمه

هنر و زیبایی از معدود موضوعات مشترکی است که مکاتب مختلف یادگیری (به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم) بر قابلیت‌های آن در یادگیری و آموزش اشاره نموده‌اند. در مکاتب رفتارگرایی[۷]، شناخت‌گرایی[۸]، ساختن‌گرایی[۹]، انسان‌گرایی[۱۰] و نوروفیزیولوژیکی[۱۱] هنر از اهمیت بالایی برخوردار است.

برنامه‌درسی مبتنی بر هنر، شناخت ظرفیت‌ها و قابلیت‌های هنر و امکان‌پذیر بودن تلفیق آن با تعلیم‌وتربیت در حکم پارادایمی جدید (تربیت از منظر هنر) بیان می‌شود. در تربیت از منظر هنر، کیفیاتی مورد بحث قرار می‌گیرد که با الهام از عالم هنر برای ابعاد گوناگون تعلیم‌وتربیت قابل توصیه و تجویز است. بهره‌گیری از هنر در ظرفیت تعدیل یا تصحیح نگاه به کل جریان تعلیم‌وتربیت و دستیابی به چشم‌انداز، فلسفه یا پارادایمی‌نو است (مهرمحمدی، ۱۳۸۹). مطالعات تربیت هنری نشان می‌دهند تجارب یادگیری هنر فرصت‌هایی را برای کودک و نوجوان فراهم می‌کنند تا مهارت‌های شناختی (تفکرانتزاعی تفکرنقاد و واکنش) را تمرین کنند و توسعه دهند. یادگیری هنرها غالباً زمینهٔ ارزیابی و تبادل ایده‌ها، اطلاعات، احساسات و ادراکات را فراهم می‌کنند (دیزی، ۲۰۰۲ به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۹۷). قابل ذکر است که تعلیم‌وتربیت زیبایی‌شناسی و هنری یکی از شش هدف دوره‌های تحصیلی نظام رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و برنامه‌های درسی مبتنی بر هنر در سند تحول بنیادین یکی از ساحت‌های تربیتی برشمرده شده است (جلسهٔ ۸۲۶ از مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش‌وپرورش، ۱۳۸۹).

[7]Behaviorism
[8]Cognitism
[9]Constructivism
[10]Humanism
[11]Neurophysiological

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

تاریخ بشر را می‌توان به سه دوران پیش از مدرن، مدرن و پست‌مدرن تقسیم کرد. به طور کلی می‌توان گفت، پست مدرنیسم یک ساختار نظری در حوزه‌های اجتماعی، فلسفی، هنر، زبان شناسی، معماری و ادبیات است (چیستیاکوا، ۲۰۱۸).

هنر پست مدرن در اواسط دهۀ ۱۹۵۰در ایالت متحده آمریکا به عنوان پدیده‌ای هنری در رشته‌های معماری و مجسمه‌سازی ظاهر شده است. آن‌چیزی از هنر که در عصر حاضر مورد توجه قرار می‌گیرد، التقاط[۱۲] و آمیختگی یا پیوند زنی[۱۳] می‌باشد که از سبک‌های هنر پست مدرن است. در واقع هنر عصر حاضر با ترکیبی از سبک‌ها ظاهر گردید و "قانون[۱۴]" در این هنر، عدم وجود هر گونه قانون ثابت است. این مورد را در یکی از هنرهای این عصر به نام هنر چیدمان یا اینستالیش می‌بینیم (چیستیاکوا، ۲۰۱۸). ماکسیم گرین (۲۰۰۵) بیان می‌دارد در عصر حاضر از ساخت معنا صحبت می‌کنیم نه از یافته‌ها یا جستجو برای کشف آنها، از تفسیر متون صحبت می‌کنیم، نه از سادگی توصیف‌ها یا تحلیل آنها، از خواندن نقاشی‌ها صحبت می‌کنیم، نه از سادگی نمایان کردن آنها؛ یعنی ارائۀ اینکه، چه چیزی در خارج آنها نهفته است. ما شکل‌های معین و قدرت‌های مولد آگاهی و زبان را می‌سنجیم و اهمیت تدبیرهای افراد و آنچه آنها به عنوان واقعیت‌های مشترک به آنها فکر می‌کنند را بررسی می‌کنیم.

آرچر (۱۳۹۶) بیان می‌دارد، هنرپست‌مدرن رویارویی مداوم و ژرف با جهانی است که در آن اثرهنری به مثابه آغازگر و نقطۀ عطفی در فرآیند کنکاش مداوم معناست و به هیچ وجه نقطۀغایی این پروسه محسوب نمی‌شود. در طول دورانی که ازآن یاد شد، هیچگاه دغدغۀ همیشگی زیبایی، کیفیات تأثیرگذار فرم و جستجوی معنا انکار نشده است. بلکه تلاش بر این بوده است تا بدون توجه به شیوه‌های معمول و متعارف و رسانه‌های تثبیت شده به طریقی به آن دل‌مشغولی‌هایی اشاره شود که همسو با ویژگی-های زندگی معاصرند.

[12] Eclecticism
[13] Hybridization
[14] canon

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

به‌طورکلی می‌توان ویژگی‌های هنرمدرن را که توسط هنرپست‌مدرن تغییر کرده است را، بدین‌گونه بیان نمود:

اهمیت به اثر هنری یا ابژه (در پست‌مدرن اهمیت به سوژه یا خالق اثر هنری)، تأکید برصورت و شکل (فرم) ارائهٔ اثر به عنوان اصلی مسلط برای خلق اثرهنری (شکل محور)، شناخت از طریق مفاهیم بصری (فرم، شکل و رنگ)، استقلال ذاتی هنر نسبت به عوامل بیرونی، قابلیت ماندگاری آثار هنری، قابلیت خرید و فروش آثار هنری، ارائه هنرمدرن در گالری‌ها، یک‌سونگری و یکپارچه کردن فرهنگی و هنری، زبان هنری جهانی یا خصلت جهانی هنرمدرن (در هنرپست‌مدرن تفکر محلی و منطقه‌ای است)، نگاه به گذشته و تداوم دستاوردهای گذشته (در هنرپست‌مدرن نگاه به حال و آینده است)، نخبه‌گرایی و آشنازدایی (ارتباط کم با مخاطبان عام)، به حساب نیاوردن دیگران (چند فرهنگی).

از نظر پسامدرنها هر کسی می‌تواند هنرمند باشد، هنرمند موجودی منحصر به فرد نیست؛ چرا که فردیت هر انسانی معلول زبان، مناسبات اجتماعی و ناخوداگاه است. هر چیزی میتواند اثر هنری باشد و بدون آنکه زیبا، اصیل و منحصربفرد باشد، فقط کافیست حامل پیام یا ایده‌ای باشد. در هنر این عصر، عنصر حاضرآماده سبب ایجاد پرسش‌هایی در چیستی هنر و اثر هنری شد و پژوهشگرانی چون دیکی[۱۵] و دانتو[۱۶] تلاش کردند در پژوهش های خود به تعریفی از هنر بپردازند. هرچند نظریات پژوهشگران تفاوت‌های بنیادینی با هم دارند اما همهٔ آنها در این موضوع مشترکند که آثار هنری جدید را نمی‌توان بدون اطلاع از شرایط تاریخی و جغرافیایی آنها بررسی کرد (عزیزیه، ۱۳۹۹). دانتو (۲۰۱۳) بیان می‌دارد که برای اینکه بدانیم چه چیزی هنر است یا نه، باید در فضای مفهومی آن قرار بگیریم و با گفتمان استدلالی دنیای هنر آشنا باشیم و بارت (۲۰۱۲) بر تأیید ساختارهای فرهنگی جامعه یا عالم هنر تأکید می‌کند.

[15]Dickey
[16]Danto

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

هنر پست مدرن یک هنر رابطه‌ای و زمینه‌ای است. هنر عصر حاضر شخصیت انتقادی نسبت به مسائل و مشکلات حل نشدهٔ عصر حاضر دارد (اسکروبوسکی، ۲۰۰۹). هنر در دههٔ ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ با نام‌های خاص هنر زمینه‌ای و هنر رابطه‌ای بیان شده است. هنر زمینه‌ای، هنر در فضا و موقعیتی که مشاهده می‌شود نوعی فعالیتی هنری است و هنر رابطه‌ای، مجموعه‌ای از اعمال هنری که نقطهٔ عزیمت نظری و عملی خود را کل روابط انسانی و زمینهٔ اجتماعی آنها به شمار می‌آورند نه یک امر مستقل و در فضای خصوصی (بوریاد، ۲۰۰۲).

در دههٔ ۱۹۶۰ (شروع پست‌مدرن) سه جریان نوین هنری به‌وجود آمد که هنرمدرنیستی را به چالش کشید. این سه جریان هنری: «هنرپاپ، هنرمینیمال و هنرمفهومی» می‌باشد. هنرمفهومی در دورهٔ پست‌مدرن پس از دو جریان قبلی مطرح شده است. هنرمفهومی با طرد دیدگاه سنتی، زمینه را برای درک نوینی از هنر و فرایند آفرینش هنری فراهم ساخت. اعتبار اثر هنرمفهومی به خارج از آن، پس‌زمینه، هویت و ارائهٔ اندیشه در آن است (در هنرمدرنیستی ارزش اعتبارش به اثر هنری است). هنرمفهومی با توجه به شرایط حال، نگاه به آینده و رهیافتی برای هنر فردا دارد ولی هنرمدرن نگاه به گذشته و دستاوردهای گذشته دارد (سمیع آذر، ۱۳۹۶).

هنرمفهومی بر خلاف هنرهای پیشین بر جنبهٔ زیباشناسانهٔ بصری و تزئینی متمرکز نیست و بیشتر برای این نوع از هنر داشتن تجربهٔ هنری به منزلهٔ نوعی شوک برای بیدارساختن انسان در بارهٔ مسائلی است که تا کنون به آنها فکر نشده بود و قرار دادن او در معرض تجربه‌های بی بدیلی که پرسش‌هایی در بارهٔ مسائل پیش روی او می‌گذارد. نکتهٔ مورد اهمیت دیگر در هنرمفهومی جنبهٔ فرامادی پشت اثرهنری است و به همین دلیل از اصول سادهٔ زیبایی‌شناسی به سمت نوعی نگرش فکری حرکت می‌کند. در این هنر فرهنگ اجتماعی[17] از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عبارتی وجود نگرش خلاق در درون جامعه، هنرمند را وادار به کنش هنری می‌نماید (افهمی، ۱۳۹۸).

[17]Social culture

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

هنرمفهومی با طرح مسائلی چون زبان، هویت، ارائه و نفی استقلال ذاتی اثرهنری مرزهای جدیدی را برای هنر ترسیم کرد. این موج هنری بعدها با اشارات مهمی در مورد رابطهٔ هنر با دیگر اشکال تجربهٔ فرهنگی در جامعهٔ معاصر پیوند خورد و ابداعات نوینی در بیان هنری را باعث شد (سمیع‌آذر، ۱۳۹۶).

شیوهای متنوع هنرمفهومی عبارتند از:

- چیدمان[18] : بداهه‌گرایی با توجه به شرایط حاکم بر محیط یا قرار دادن اشیاء در کنار هم بر پایهٔ یک اندیشه یا مفهوم (چولاندیم، آرت‌گالریز)، (لینتن، ۱۳۸۲) و (راش، ۱۳۸۹).
- هنراجرایی[19]: بیان محتوا و ارائهٔ یک مفهوم با اجرای مراسم (چولاندیم، آرت‌گالریز)، (راش، ۱۳۸۹)، (لینتن، ۱۳۸۲)، (ویلمنت، ۱۹۹۳)، (شکنر، ۱۹۹۴) و (گلدبرگ، ۱۳۸۸).
- هنرروایتی[20]: روایتگری در محیط با نشان دادن تأثیر یک اتفاق (هرمن، ۱۳۹۳).
- هنر و زبان[21]: ارائهٔ یک مفهوم با کلمات یا تلفیق هنرهای دیگر با کلمات (آزبورن، ۱۳۹۰).
- هنرعکس[22]: عرصهٔ تصاویر عکاسانه‌ای، با ماهیتی مفهومی (لوسی اسمیت،۱۳۹۰)، (اوگان، ۲۰۰۹) و (کولمن، ۱۹۷۲).
- هنرویدئو[23]: ارائهٔ یک مفهوم با تصاویر متحرک و صدا (لوسی اسمیت، ۱۳۹۶) و (کوبیت، ۱۳۷۷).

[18] Installation
[3]Performance Art
[20]Narrative Art
[21]Art And Language
[22]Photo Art
[23]Video Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

- هنرکنشی و بدن[۲۴]: ارائهٔ یک مفهوم با به‌کارگیری اندام بدن انسان و هنراجرا برای اعتراض همراه با سخنرانی و حرکات (چولاندیم، آرت گالریز)، (لوسی اسمیت، ۱۳۹۰)، (پاکباز،۱۳۸۷) و (ماروزونا، ۱۳۹۶).
- هنراتفاقی[۲۵]: ایجاد مفهوم به‌وسیلهٔ یک اتفاق در محیط و نتایج آن (کاپرو، ۱۹۵۶).
- هنرفرایندی[۲۶]: ارائهٔ یک مفهوم با استفاده از مواد ناپایدار و ثبت آن با استفاده از فن عکاسی و فیلم (گوتلیب، ۲۰۱۰).
- هنرپردازشی[۲۷]: هنر بر پایهٔ دانش سنجش میان دستگاه‌عصبی و مغزخودکار با دستگاه الکترونیکی و مکانیکی و استفاده از هنرمجازی و اینترنتی (راش، ۱۳۸۹).
- هنرحاضرآماده [۲۸]: استفاده از یک شئ یا نمونه ساخته شده با ایده یا مفهوم جدید (مارسل دوشان، ۱۹۱۳)، و (ماروزونا، ۱۳۹۶).
- هنرزباله[۲۹] : استفاده از مواد دور ریختنی و تولید اثری با ایده‌ای خاص (آرتور بوردالو، ۲۰۱۶).
- هنر زمینی[۳۰]: بهره‌گیری از ماده‌های یافته شده در فضای بیرونی یا طبیعت به همراه افزودن شیء، ماده یا سازمایه‌ای بیگانه یا مصنوعی (لینتن، ۱۳۸۲) و (پاکباز، ۱۳۸۷).
- هنرخاکی[۳۱]: استفاده از نیروی فیزیکی، سازمایه‌های بوم‌شناختی (بیولوژیکی)، فرایند انجام و هنراجرا برای ایجاد پرسش، ایجاد یک پنداشت

[24]Action and body Arty
[25]Happening Art
[26]Process Art
[27]Cybernetic Art
[28]Readymade Art
[29]Trash Art
[30] Land art
[31]Earth Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

یا تجسم، و ارزش‌های زیستی (فرایند طبیعت پدیدار)، (چولاندیم، آرت گالریز)، (لینتن، ۱۳۸۲) و (پاکباز، ۱۳۸۷).

"هنر" یکی از حوزه‌هایی است که به عنوان یک هویت یا دیدگاه مهم به غیر از سه منبع سنتی (یادگیرنده، علم و جامعه) در مطالعات برنامه‌درسی، از قرن ۲۰، توسط اندیشمندان متعدد مانند، دیویی[۳۲] (۱۹۳۴)، وایتهد[۳۳] (۱۹۵۵)، برودی[۳۴] (۱۹۷۲)،گرین[۳۵] (۱۹۸۴)، آیزنر[۳۶] (۲۰۰۲،۱۹۹۸، ۲۰۰۸)، اسمیت[۳۷] (۲۰۰۴، ۲۰۰۸)، مهرمحمدی (۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۸۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲و ۱۳۹۷) مطرح و تاثیرات مثبت آن در یاددهی‌ویادگیری مشخص گردیده است. به عنوان مثال آیزنر بیان می‌دارد: دانش‌آموزان از طریق هنر عزت نفس قوی‌تری بدست می‌آورند، نمرات دروس‌شان ارتقاء می‌یابد، نگرش مثبتی به مدرسه پیدا می‌کنند و یاد می‌گیرند با همدیگر به طور مؤثر و با همکاری سازنده کار کنند (آیزنر، ۲۰۰۲). پرداختن به هنر و زیبایی‌شناسی در آموزش‌وپرورش به طور عمده با دو رویکرد، "تربیت هنری" و "تربیت از طریق هنر" صورت می‌پذیرد. در قسم اول، هنر به عنوان یک حوزهٔ یادگیری مستقل مطرح می‌گردد و دارای اهداف ویژه‌ای است و به نام "آموزش هنر" بیان می‌شود که تحقیقات فراوانی در این خصوص صورت گرفته است. در رویکرد دوم، تربیت از طریق هنر، هنر به عنوان مبنا در طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی یک برنامه‌درسی به کار گرفته می‌شود. بهره‌گیری از هنر به کل جریان تعلیم‌وتربیت، پارادایم‌نو در برنامه‌درسی است که در حاشیه نگاه داشته‌شده است و توجه به آن در برنامه‌درسی می‌تواند از الویت برخوردار باشد (مهرمحمدی،۱۳۹۰).

در پژوهش‌هایی مانند: کیان (۱۳۹۲)، مهرمحمدی (۱۳۸۰)، صابری (۱۳۹۴)، آیزنر (۱۹۹۸)، تمنایی‌فر (۱۳۸۹) و ... اثرات مثبت رویکرد "تربیت هنری" در برنامه‌درسی را بررسی کرده‌اند. در پژوهش‌های متعددی مانند: مهرمحمدی (۱۳۹۰)، گرمابی (۱۳۹۴)،

[32]Dewey
[33]Whitehead
[34]Broudy
[35]Green
[36]Eisner
[37]Smite

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

زیباکلام (۱۳۹۲)، وایتهد (۱۹۵۵)، جاویدی کلاته جعفرآبادی (۱۳۹۶)، انتظامی (۱۳۹۴)، پاکیزه (۱۳۹۴)، کاظم‌پور (۱۳۹۵)، ضیایی (۱۳۹۷)، هال (۲۰۰۷)، بیکر[۳۸](۲۰۱۳)، لیانگ[۳۹] (۲۰۱۵)، توزان[۴۰] (۲۰۱۵)، رویکرد تربیت از طریق هنر در برنامه‌درسی مورد بررسی قرارگرفته است. نتایج پژوهش‌ها حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار آموزش مبتنی بر هنر بر یادگیری و خلاقیت در مدارس در ایران و دیگر کشورهای دنیا است. در این مطالعات، هنر سنتی و مدرن و بیشتر با تأکید بر سوژه بودن هنر مورد استفاده قرار گرفته است و البته آثار مثبت آن مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش‌هایی مانند: لاجویک[۴۱] (۲۰۱۳) و هال (۲۰۱۶) تأثیر آموزش مبتنی بر هنر پست‌مدرن و رویکرد پساساختارگرایانه (ابژه بودن هنر) مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج مثبت و معنادار آن در آموزش تأیید شده است. البته در حوزهٔ تلفیق هنرپست‌مدرن با آموزش، پژوهش-ها اندک است و مواردی از مطالعات موردی انجام پذیرفته است. با توجه به پژوهش-های متعدد و تأیید تأثیر مثبت هنر در آموزش، بررسی و شناخت هنرمفهومی، ابعاد و رویکردها و ویژگی‌های آن، می‌تواند در هرچه بهتر کردن آموزش دورهٔ ابتدایی کمک - نماید.

با توجه به ویژگی‌های هنرعصرحاضر و سازگارسازی برنامه‌درسی، برنامه‌درسی شخصی یا یادگیری شخصی‌شده[۴۲] را می‌توان برای اجرا در سطح کلاس درس در نظر گرفت. در یادگیری شخصی به دو موضوع تفاوت‌های فردی و تغییرات جامعه در قرن ۲۱ توجه می‌شود. یادگیری شخصی چالشی است برای پاسخگویی بیشتر به نیازهای بیشتر دانش‌آموزان نسبت به آنچه در گذشته حاصل شده است. این نوع یادگیری مربوط به تحول در آموزش و تحصیل است که برای شهروندان قرن ۲۱ مناسب است. سیستم های آموزشی جهان برخلاف هر زمان دیگر در طول قرن گذشته در میان تغییرات (یا

[38] Baker
[39] Liang
[40] Tuazon
[41] Lajevic
[42] Personalized learning

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

همان دگرگونی آگاهانه) قرار دارند. این یک لحظه تاریخی است که در آن دولت‌ها، معلمان، والدین و جوامع مدارس در حال بررسی چشم اندازهای یک سیستم آموزشی هستند که دارای انعطاف‌پذیری بیشتر، نوآوری (فن‌آوری‌ها و آموزش‌ها) و رویکردهای فردی‌تر و خودگردان در یادگیری دانش‌آموزان باشد. این نمایش، مفهوم شخصی‌سازی در آموزش‌وپرورش قرن ۲۱ است (مک ری، ۲۰۱۰).

شخصی‌سازی یادگیری، فرایند فراهم کردن تجارب یادگیری بر اساس نیازمندی‌ها و علایق حرفه‌ای فراگیران است به طوری که قادر باشند در بهترین چارچوب زمانی و مکانی به اطلاعات مربوطه دست‌یابند (پین وهمکاران، ۲۰۱۷). یک برنامه‌درسی شخصی، برنامه‌ای است که به منظور فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری فردی به دانش-آموزان ساخته شده است. همانطور که استفاده از استراتژی‌های شخصی‌سازی به چالش‌های آموزش محبوب‌تر تبدیل شده است (ماهون، ۲۰۱۶). گراف[۴۳] هفت محور اصلی از ویژگی‌های یادگیری شخصی از تعاریف ۹ سازمان کلیدی آموزش در جهان اسخراج نمود که عبارتند از: *شخصی‌سازی شده (نقاط قوت یادگیرنده، علایق و نیازها)/ دانش‌آموزمحور (نیازهای یادگیرنده و علاقه‌مندی به یادگیری)/ مأموریت دانش‌آموز (حمایت یادگیرندگان از مالکیت یادگیری خود)/ مشخصات یادگیرنده (مشخصات فردی در رشد، نقاط قوت و نیاز) به زمان بیشتر/ رشد بر اساس تسلط (صلاحیت‌ها)/ محیط‌های یادگیری قابل انعطاف/ تغییر ارتباط (شامل یادگیری مشارکتی)* **(گراف،۲۰۱۷)**.

چهار ویژگی مهم شخصی‌سازی یادگیری عبارتند از: فراگیران دارای مسیر یادگیری مخصوص به خودشان هستند؛ تمرکز بر یادگیری است. (تا آموزش)؛ تمرکز بر شایستگی‌های فردی است (تا نقاط ضعف) و امکان یادگیری در هر زمان و مکان وجود دارد (رشتیانی، ۱۳۹۶). اریک شنینگر[۴۴] شخصی‌سازی یادگیری را بر اساس ۵ عامل:

[43] Groff
[44] Eric Sheninger

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انتخاب، سبک‌های یادگیری دانش‌آموز، مسیر یادگیری، سرعت‌ها و مکان‌ها می داند (شنینگر، ۲۰۲۰).

برای طراحی الگوی برنامه‌درسی مبتنی بر هویتی جدید نیاز به انتخاب الگو بر اساس منبع اطلاعاتی و ساختار مورد نظر طراح می‌باشد که در این پژوهش بر اساس سؤالات مفهومی از طرحوارۀ مفهومی استفاده گردیده است.

پوزنر[۴۵] معتقد است طراح الگوی برنامه درسی در واقع در صدد پاسخ‌گویی به یکسری سؤال‌هاست:

۱. سؤال‌های رویه‌ای: چه قدم‌هایی بایستی در برنامه‌ریزی‌درسی یک برنامه‌درسی برداشته شود؟

۲. سؤال‌های توصیفی: چگونه یک دورۀ تحصیلی به طور واقعی بایستی طرح‌ریزی شود؟

۳. سؤال‌های مفهومی: عناصر برنامه‌ریزی‌درسی کدامند؟ چگونه از نظر مفهومی با یکدیگر مرتبط می‌شوند؟

٤. سؤال ایدئولوژیک: چه ارزش‌هایی در طراحی برنامه‌درسی باید مورد نظر قرار گیرد؟ (شالیان و همکاران به نقل از بیر، ۱۳۹۴).

طراحی الگوهای برنامه‌درسی می‌تواند پاسخ به یکی یا بیشتر این سؤال‌ها باشد که در واقع رویکرد الگو را مشخص می‌کند. هدف پژوهش با ماهیت بنیادی، خلق طرح الگوی مفهومی با هویت مورد نظر است که با این نوع طراحی الگو، برنامه‌درسی با هویت جدید را قابل درک و فهم می‌کند. رویکرد طراحی الگوی این پژوهش به روش "مفهومی" است. طرحوارۀ مفهومی، عناصر اساسی واقعیت و رابطۀ میان آنها را مشخص می‌کند. در خلق طرحوارۀ مفهومی معمولاً دو مفهوم تصریح می‌شود: "مفاهیم اساسی" (عناصر یا مؤلفه‌های سازندۀ واقعیت) و "مفاهیم ساختاری" (روابط شناسایی

[45] Posner

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

شده میان این عناصر) که مجموعهٔ کلی این دو مفاهیم طرحوارهٔ مفهومی را خلق می-کند. (شورت،۱۳۹۴).

در این پژوهش دو پرسش مطرح است:

۱-۱ الگوی برنامه‌درسی با رویکرد شخصی‌سازی مبتنی برهنرمفهومی برای دورهٔ - ابتدایی، دارای چه ساختار و فرایندی است؟

۱-۲ اعتبار نظری الگوی پیشنهادی برنامه‌درسی با رویکرد شخصی‌سازی مبتنی بر هنرمفهومی برای دورهٔ ابتدایی، چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر نوع هدف "کاربردی" است و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها دارای رویکرد "کیفی" می‌باشد و از روش‌های: "پژوهش فلسفی تحلیل مفهومی" و " تلفیقی سنتز پژوهی" استفاده گردید.

در ابتدا مفاهیم اساسی هنرمفهومی از منابع مکتوب شامل: کتاب‌ها و مقالات ایرانی و خارجی استخراج شده سپس به روش "تحلیل مفهومی" تفسیر شده است. "تحلیل مفهومی" نوعی تحلیل است که به واسطهٔ آن به فهم معتبر از معنای عادی یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط دست می‌یابیم همچنین ناظر بر فراهم آوردن تبیین صریح و روشن از معنای یک مفهوم به واسطهٔ توضیح دقیق ارتباط‌های آن با سایر مفاهیم و نقش آن در اعمال اجتماعی ما که داوری‌هایمان در بارهٔ جهان را شامل می‌شود (شورت، ۱۳۹۴). هدف پژوهش تحلیلی فلسفی عبارت از فهم و بهبود بخشیدن مجموعهٔ مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که ما بر حسب آنها تجربه را تفسیر می‌کنیم، مقاصد را بیان می-داریم، مسائل را ساخت‌بندی می‌کنیم و پژوهش‌ها را به اجرا در می‌آوریم. این نوع پژوهش، بخش مهمی از هر تحقیق در حوزهٔ برنامه‌درسی را تشکیل می‌دهد، زیرا ساختارهای مفهومی را که در اختیار داریم، نوع سیاست‌گذاری برنامه درسی را که می-توانیم مورد توجه قرار دهیم و انواع پرسش‌های تحقیقی تجربی و هنجاری را که مهم تلقی می‌کنیم، تعیین می‌کند (شورت، ۱۳۹۴).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

برای فهم و تجزیه و تحلیل داده ها و پاسخ به سؤالات پژوهش از روش پژوهش تلفیقی سنتزپژوهی استفاده شده است. این روش به منظور دستیابی به دانشی است که بتواند به برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیمات عملی کمک کند (شورت، ۱۳۹۴). به‌دنبال عملیاتی کردن این علم، قابلیت تجمیع یا تراکم نظامند دانش‌های تولید شده پیشین را دارد (چالمرز، هجز و کوپز، ۲۰۰۲). در این روش، در جریان ترکیب، تأکید بر تلفیق مطالب گوناگون در چهارچوب ادراکی خاصی است که پیدایش دیدگاهها یا روابطی جدید را در پی داشته است (شورت، ۱۳۹۴). مطالعات به روش سنتزپژوهی (تلفیقی) سه نوع‌اند: ۱) سنتزپژوهی نوع اول: انتخاب مجموعه‌ای از مطالعات پژوهشی است که همهٔ آنها در صدد پاسخ‌گویی به یک سؤال پژوهشی هستند و چگونگی پاسخ به آن سؤال خاص را گزارش می‌کنند، ۲) سنتزپژوهی نوع دوم: ضمن انتخاب تمامی مطالعات انجام شده در بارهٔ موضوعی خاص، آنها را یک‌به‌یک مرور و به نحوی سازمان‌دهی می-کند که بتواند برحسب سؤال‌های مختلف و در عین حال مرتبط، به تفکیک و نیز مقایسهٔ آنها بپردازد و سپس الزامات مربوط به دانسته‌ها و آنچه که هنوز نیاز به مطالعه دارد را تحلیل و ترسیم کند، ۳) سنتزپژوهشی نوع سوم: از پژوهش تلفیقی، بیشتر بر نیازی خاص به دانشی ویژه برای کاربر یا گروهی از کاربران متمرکز است وارد[۴۶] (۱۹۸۳) برای نوع سوم از روش سنتز پژوهی الگویی مشتمل بر چهار مرحله، ارائه کرده است: ۱) تدوین چهارچوب، ۲) تعیین جزئیات و الزامات، ۳) مروری بر پیشینه و تعامل با کارشناسان و۴) دستیابی کارشناسان به نوعی اجماع در مورد ترکیب (شورت، ۱۳۹۴). پژوهشگر در این پژوهش از روش سوم سنتزپژوهی برای ارائه الگو استفاده کرده است. پژوهش حاضر در ۶ مرحله اجرا شده است. این شش مرحله در جدول شماره ۱ به اختصار نمایش داده شده است.

[46] Ward

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

جدول شماره ۱ : مراحل انجام پژوهش

مراحل	توضیحات در مورد پژوهش حاضر
مرحله اول: تعیین پژوهش‌هایی که مقرر است از یافته‌های آنان استفاده گردد.	نوع اسناد دست اول شامل کتاب های منتشر شده در حوزه انواع هنرهای پست‌مدرن که با توجه به مرتبط بودن سؤالات پژوهش انتخاب شده‌اند و نقد و بررسی آثار هنرمندان دورهٔ پست‌مدرن توسط مشاوران هنری پژوهش صورت گرفت.
مرحله دوم: انتخاب انواع هنرها و اسناد مرتبط با آنها و مرور آنها	کل متن اسناد مورد بررسی قرار گرفت و مکاتب مرتبط با هنرهای پست‌مدرن و انواع هنرمفهومی انتخاب شدند.
مرحله سوم: تحلیل مفاهیم برآمده از بررسی انواع هنرهای مفهومی	گرایش های انتخاب شده از هنرمفهومی مورد تحلیل قرار گرفتند و تعاریف و ویژگی‌های هر کدام به عنوان گزاره های برآمده از مطالعات استخراج شد.
مرحله چهارم: سنتز یا خلق چیزی جدید از عناصر جدا از هم	پخش یافته‌های اسناد منتخب درباره هنرمفهومی سپس با بازخوانی های مکرر و دقیق و همچنین مقایسه یافته‌های مشابه و متناقص (با کدگذاری رنگی متفاوت)، دسته‌بندی این داده‌ها در ذیل مضامین بزرگ‌تر انجام شد.
مرحله پنجم: مرور مقوله‌های به‌دست آمده و طراحی الگوی برنامه‌درسی	مقوله‌های اصلی و فرعی به دست آمده با ارکان طرح شخصی‌سازی تلفیق شدند و الگوی برنامه‌درسی مبتنی برهنرمفهومی در دورهٔ ابتدایی برای اجرا در سطح خرد (کلاس درس) با رویکرد شخصی‌سازی طراحی شد.
مرحله ششم، دستیابی کارشناسان به نوعی اجماع در مورد ترکیب	الگوی طراحی شده برای متخصصان حوزهٔ برنامه درسی، اندیشمندان حوزه هنر، و معلمان دورهٔ ابتدایی ارسال شد و از روش دلفی[1] برای اعتباریابی الگوی به دست آمده استفاده شد. ملاحظات ارائه شده از سوی متخصصان در الگو قرار گرفت و مجدد الگو برای بازبینی و تأیید ارسال شد.

در همین راستا انواع هنر مفهومی از متون و مقالات در حوزه هنرپست‌مدرن و هنر مفهومی مانند: لویت[47] (۱۹۶۷)، ویلمنت[48] (۱۹۹۳)، شکنر[49] (۱۹۹۴)، استیلز و سلز[50] (۱۹۹۶)، کاپرو[51] (۱۹۵۶)، آرچر[52] (1396)، آزبورن[53] (۱۳۹۰)، اخگر (۱۳۹۶)، اسماگولا[54] (۱۳۸۱)، افهمی(۱۳۹۸)، امیرحاجبی (۱۳۹۸)، بابایی(۱۳۹۲)، بخشی الف و

[47] Soll Lewitt
[48] Wilmeth
[49] Schechner
[50] Stiles & Selz
[51] Kaprow
[52] Michael Archer
[53] Peter Osborne
[54] Howard J. Smagula

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ب (۱۳۸۴)، پاکباز (۱۳۸۷)، خوش‌نظر و نادعلیان (۱۳۸۸)، دامون (۱۳۹۷)، دانشگر و سنجی (۱۳۹۶)، دلداده (۱۳۹۱)، راش[۵۵] (۱۳۸۹)، رحیمی (۱۳۸۵)، رهبرنیا و داوری (۱۳۹۴)، سعیدی‌کیاسری (۱۳۹۰)، سمیع‌آذر (۱۳۹۶)، قلعه (۱۳۸۹)، کوبیت[۵۶] (۱۳۷۷)، گلدبرگ[۵۷] (۱۳۸۸)، لوسی‌اسمیت[۵۸] (۱۳۹۶ و ۱۳۹۰)، لینتن[۵۹] (۱۳۸۲)، ماروزونا[۶۰] (۱۳۹۶)، ملکی و بهشتی (۱۳۹۸)، هرمن[۶۱] (۱۳۹۳)، استخراج گردید و مورد تحلیل واقع گردید و سپس تمامی یافته‌ها با هم ترکیب شدند و با بازخوانی‌های مکرر و مقایسه یافته‌های مشابه و متناقص (با کدگذاری با رنگ‌های مختلف) دسته‌بندی داده‌ها در سه بخش مقوله‌های اولیه، ثانویه و اصلی انجام پذیرفت و از این مقوله‌ها در طراحی برنامه‌درسی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در پاسخ به پرسش اول پژوهش یافته‌های پژوهش شامل دو بخش خردتر شد که **بخش اول "شناسایی مؤلفه‌های حاکم برهنرمفهومی"** بود **و بخش دوم "فرایند شکل‌گیری تعاملات بین مؤلفه‌های استخراج شده از انواع هنرمفهومی با ارکان طرح شخصی-سازی"** بوده است.

- **در پاسخ به بخش اول**، انواع هنرمفهومی مورد پژوهش قرار گرفت. در هنرمفهومی ۱۴ نوع هنر تجربه شده مطرح شده است که شامل هنرهای: زمینی، خاکی، عکاسی، چیدمان، حاضروآماده، ویدئو، فرایندی، اجرا، کنشی و بدن، زبان، روایتی، اتفاق، پردازشی و زباله است. انواع هنرمفهومی مورد تحلیل واقع شده‌اند و گزاره‌های برآمده از آنها در جداول شماره ۲ نگارش شدند. سپس با توجه به مفاهیم تحلیل

[55] Michael Rush
[56] Show Kobit
[57] Rosley Goldberg
[58] Edward Lucy Smith
[59] Norbert Linton
[60] Daniel Maruzona
[61] David Herman

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

شده و استخراج ۱۸۰ گزاره از انواع هنرمفهومی ۳۹ مقولهٔ اولیه و سپس۳۶ مقولهٔ ثانویه و در نهایت ۹ مقولهٔ اصلی با روش سنتزپژوهی استخراج گردید. جدول شمارهٔ ۳ استخراج مقوله‌های اولیه از ویژگی‌های به‌دست آمده از هنر مفهومی را نشان می‌دهد.

جدول شماره۲: گزاره‌های برآمده از تحلیل مفهومی هنر مفهومی

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنر زمینی[۶۲]	هنر مربوط به زمین و سرزمین	هنری با استفاده از سنگ و چوب و مواد طبیعی در محیط-های طبیعی	– تأکید بر وحدت هنر و طبیعت و خلق آثار هنری و هنر مربوط به زمین و سرزمین (پاکباز، ۱۳۸۷). هنری با استفاده از سنگ، چوب و مواد طبیعی و اجرا در محیط‌های طبیعی (لیتن، ۱۳۸۲). ناپایداری آثار هنری، استفاده از رسانه برای انتقال پیام اثر هنری، عظیم و بزرگ بودن اثر هنری و تأکید بر وحدت واقعیت فیزیکی جهان (که هنرمند در آن سهیم است) (ملکی و بهشتی، ۱۳۹۸).
هنرخاکی[۶۳]	هنر با استفاده از خاک	استفاده از خاک و مشتقات آن در آثار هنری	استفاده از خاک به‌عنوان مواد اولیه برای اجرای هنر به‌عنوان نقاشی و مجسمه‌سازی و غیره و برپایی سازه‌های خاکی و سیمانی در روی زمین به‌عنوان صحنه و بوم (ملکی و بهشتی، ۱۳۹۸) استفاده از خاک برای بیان مسائل اجتماعی و فرهنگی(درک محقق از آثار هنر خاکی).

[62]Land ar
[63] Earth Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنر عکاسی-مفهومی[۶۴]	هنر عکاسی-مفهومی	شاخه‌ای از عکاسی است که در آن، هنرمند به دنبال خلق یک مفهوم یا ایده توسط یک عکس است.	- خلق و انتقال یک مفهوم یا ایده توسط عکس (اوگان، ۲۰۰۹). - استفاده از انواع و اقسام مصالح هنری در عکس برای رساندن مفهوم و پیام به مخاطب، - واداشتن به تفکر مخاطب با عکس مفهومی، - تجسم از پیش تعیین شدهٔ یک مفهوم برای مقاصد تبلیغاتی یا تصویرسازی، - عکس‌های دو تایی با موضوع گذر زمان و تحولات اجتماعی و - نگاه فرهنگی و اجتماعی در عکاسی مفهومی (لوسی اسمیت، ۱۳۹۰). - دارای پس زمینهٔ ذهنی و اجتماعی در نوع قیاس موضوعی موجد معنا و تفسیر، - عکس/ گزارش (مستندگونه و روایت‌گر)، - عکس/نشانه (تصویر مستقل و معنازایی و دلالت پذیری تصاویر عکاسانه با جابه‌جایی نشانه‌ها) و - نگاه انتقادی به موضوع یا مسئلهٔ اجتماعی توسط مفهومی در عکس (سمیع آذر، ۱۳۹۶).

64 Conceptual Photography Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنر چیدمان[۶۵]	هنر نصب یا راه اندازی	هنر چیدمان یا چیدمان هنری به معنای استفاده کردن از عناصر مختلف، برای بیان تجربه هنرمند از مفهومی مشخص در فضایی تعریف شده برای رساندن پیامی معین است.	استفاده از هرشیء در دسترس در اثر هنری و فعال سازی یک محیط یا یک مفهوم با برخوردهای ظاهراً هنری (لیتن، ۱۳۸۲) استفاده از طیف گسترده‌ای از مواد روزمره و طبیعی ومحیط اجرا بخشی از هنر(راش، ۱۳۸۹) اجرا در فضاهای خصوصی و عمومی، تنوع در متریال، سبک، اجرا و نیز تنوع در مفاهیم مورد نظر هنرمند، استفاده از رسانه‌های جدید نظیر ویدئو، صدا، پرفورمانس، کامپیوتر و حتی اینترنت، استفاده از تمام سبک‌های هنری، مخاطب هم نظاره‌گر و هم تکمیل کننده اثر هنری و به‌کار بردن مصالح متنوع برای رساندن پیامی معین (Wikipedia، ۲۰۲۰).

[65] Installation Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنر حاضرآماده[۶۶]	هنرحاضر-آمده	هنراستفاده از یک شئ یا نمونه ساخته شده با ایده یا مفهوم جدید است.	- اضافه نمودن ابعاد جدید معنی به اشیاء در دسترس و آماده، - به چالش کشیدن هنر برای هنر و بیان هنر به مثابه ایده و - تغییر نگاه صرفاً اقتصادی و مالی هنر مدرن به ایده و تفکر در هنرپست‌مدرن (سمیع‌آذر، ۱۳۹۶). - اهمیت به اندیشه در پس ایدهٔ نظری هنری برای پیدا کردن اثر، - تغییر خلوص شکلی در هنر(هنر مدرن) به خلوص مفهومی، - چالش تجسم فیزیکی و نقد هنر با تلاش-های تحلیلی، - تحول از حالت فیزیکی به ذهنی و - مخاطب وسیلهٔ ارتباط اثر هنری با جهان بیرون و کمک به تغییر اثر پذیری و کامل شدن و تأثیر آن برجهان بوجود آمدن اثر خلاق توسط هنرمند و بینندهٔ هنرتوآمان (ماروزونا، ۱۳۹۶).

[66] Readymade Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
۶. هنر ویدئو[67]	به معنی تلویزیونی، تصویری و دیدنی	هنر ویدئو، ارائهٔ یک مفهوم با تصاویر متحرک و صدا می-باشد. در هنر ویدئو نیت هنرمند موضوع مورد بحث است.	بازآفرینی معنی بکر در بستری جدید، برگرداندن معنا و زیبایی با هم به پیکر اثر هنری، استفاده از ترکیبی از هنرهای تجسمی، معماری، تئاتر، هنر اجرا و سینما و زبانی نو برای بیان هنری (خوش نظر و نادعلیان، ۱۳۸۸). قدرت و تأثیر این رسانه در بداهه‌پردازی (لوسی اسمیت، ۱۳۹۶). دارای تجهیزات ارزان و سهل الوصول برای همگان و ابزار اصلی تعلیم‌وتربیت و ارتباطات حرفه‌ای (کوبیت، ۱۳۷۷). هنر ویدئو مبتنی بر ایده و محتوی و تأثیر اثر هنری بیش از زیبایی‌شناسی با هر تکنیک و شکل بیان، حاوی دانش بصری و دانش ارائهٔ تفکر و خلاقیت در قالب رسانهٔ ویدئو، بیان یک مفهوم با رویکرد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هنری توسط ویدئو، معنا گرفتن از مکان و محیط ارائهٔ اثر و بازخورد تماشاگر، ویدئو می‌تواند فاقد روایت، دیالوگ و طرح باشد، ویدئو برعکس سینما (اثر تهاجمی) هنری دموکراتیک، آزادی بی حد و حصر هنرمند و گونه‌ای از سینمای تجربی (بخشی، ب ۱۳۸۴). وسیله‌ای برای مواجهه با حادثه‌های اسرارآمیز و چند ساحتی، رجوعی آگاهانه به معانی و سنت‌های تصویری بومی، حاوی انواع داده‌های صوتی و تصویری، معنا بخشیدن به موارد متفاوت زمان مانند: زمان متوقف شده، زمان تسریع شده، زمان به عقب برگردانده شده، زمان واقعی، و یا زمان مجهول، امکان تک کاناله یا چند کاناله، امکان واقعی ویا رویاگونه و یا حتی فراواقعی،

[67] Video Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنرفرایندی[۶۸]	هنر فرایندی	این هنر بر فرایند تولید اثر هنری تأکید دارد و هنر به منزلهٔ یک سلوک و فرایند تلقی می‌شود.	– شیوه‌های تفکر و فرایند آفرینش هنر به دور از اصالت دادن و ارزش گذاری به اثر هنری(خصیصهٔ هنر بعد از ۱۹۶۰)، – قابل رویت کردن پروسهٔ همان فضای خصوصی میان هنرمند و اثر، – مواجهه مخاطب با جهان و زیست هنرمند، – مسیر و سلوک ودر اختیار قرار دادن نسبت بین فرایند با ابتدا و انتهای مسیر (اخگر، ۱۳۹۶).

[68] Process Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنر اجرا[۶۹]	هنر اجرا یا هنر نمایشی	هنرهای نمایشی، هنرهایی هستند که در مقابل عده‌ای به اجرا در می آید (هنر زنده) مانند: رقص، تئاتر و موسیقی. اغلب دارای محتوای سیاسی، اجتماعی و فلسفی است.	اصل انتقال پیام به مخاطب از تمامی امکانات، از جمله شیوه‌های کلامی، حرکات آکروباتیک، اجرای موسیقی زنده یا پخش موسیقی، هنرمجسمه سازی، نقاشی، تشکیل شده از قطعه‌های مجزا و غیر مرتبط به هم، تقابل با تئاتر و گاه متضاد تئاتر، استوار بر زنده بودن و عین واقعیت بودن، معمولاً نداشتن قصه یا روایت، توجه تماشاگر به چند نقطه و چند موضوع، غیر قابل فروش اثر هنر اجرا، دارای اصول: سکون، تکرار، تداوم و غافلگیری، استفاده از زبان و انسان به‌عنوان شیء و داشتن اهداف متفاوت (داموند، ۱۳۹۷). ارتباط مستقیم با مناسک و آیین‌های اجتماعی رایج در فرهنگ‌های مختلف جوامع جهانی، گاهی دارای بعد سودمندی قوی (نمایش‌های آیینی و تعزیه) و گاهی دارای جنبهٔ سرگرمی (تئاتر کلاسیک)، توانایی اجرای درام با ملزوماتی مانند: هنر بدن، هنر نقاشی، هنر مجسمه‌سازی، هنر ویدئو، هنر محیط، هنر موسیقی، هنر آیین، هنر صوت و تبیین نکات تازه و اجتناب از قصه‌گویی، گرایش به بازنمایی تصویر و یا مفهوم مجرد اما ساده و باورپذیر (نوعی کثرت داستانی) (رحیمی، ۱۳۸۵).

[69] Performance Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
			حضور فعال مخاطب در اثر، ترکیبی از هنرهای تصویری، شنیداری و اجرائی فرهنگ عامه و زندگی روزمره، ارائه به وسیلهٔبدن هنرمند (به‌عنوان ابزار هنری) و ذهن هنرمندو انجام در هر مکان و بدون محدودیت زمانی (ویلمنت، ۱۹۹۳). اجرا به صورت تصادفی یا کاملاً برنامه‌ریزی شده، اجرا با مشارکت یا بدون مشارکت مخاطبان و اجرا به صورت ضبط و پخش شده توسط رسانه‌ها با یا بدون حضور اجرا کننده (پرفورمر)، اجرا به صورت ذهنی، مفهومی یا عملی و فیزیکی با کلام یا بدون کلام، انجام اجرا در مکان عمومی یا خصوصی و وجود چهار عنصر ضروری: زمان، مکان، بدن اجرا کننده به صورت زنده یا حضور در رسانه و ارتباط بین مخاطب و اجرا کننده (استیلز و سلز، ۱۹۹۶). هنر اجرا روندی دو سویه از سهیم شدن در یک اتفاق در حال انجام است (ایجاد تعامل عملی و ترغیب و تشویق مخاطب به عکس‌العمل) و قوی‌تر بودن وجه سودمندی نسبت به جنبهٔ سرگرمی (شکنر، ۱۹۹۴). مخاطب و اجرا کنندهٔ هنر به‌عنوان بخشی از اثر، تکرار پذیری، توجه به کلیت و اهمیت به مفهوم و رابطه و تعامل اثر و مخاطب و حذف فاصله بین نمایش و واقعیت (رهبرنیا و داوری، ۱۳۹۴). عدم نیاز به بازیگر حرفه‌ای و گسترهٔ مکانی متنوع و زمانی نامحدود (گلدبرگ، ۱۳۸۸).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنر کنشی و بدن[۷۰]	هنر کنشی و بدن	هنر ارائهٔ یک مفهوم با به کارگیری اندام بدن انسان و هنر اجرا برای اعتراض همراه با سخنرانی و حرکات می-باشد.	نفی رسانهٔ نقاشی و طرد فرم و زیبایی، نگاه تحلیلی به بدن و توانایی‌ها و محدودیت آن، مطالعهٔ هویت جسمی و کارکرد اجزاء بدن، یک رویکرد تجربی تازه و یک بدعت رسانه‌ای در هنر، گاهی به صورت پرفورمنس و زنده و گاهی با واسطهٔ عکس، فیلم و ویدئو، بدن هم به‌عنوان موضوع هنر و هم نوعی زبان برای بیان، تعامل فعال با مخاطب، خلق نوعی موقعیت خلاق ذهنی و روانی در ارتباط با تماشاگر، به‌عنوان ژانر خاص موقعیت گرایی[۷۱]، بدن گاه وسیلهٔ مکاشفهٔ مفهوم و گاه هدف، بدن زمینه‌ای برای شناخت خویش، معانی اجتماعی مانند توجه به تخریب محیط‌زیست و رابطهٔ آن با انسان، انرژی و تجربه، راهکار آموزشی برای تشریع اندیشه‌ها و احساسات با خلق اثر هنری، تجربه هنری ساده و سهل‌الوصول ولی نیاز به استعدادهای استثنایی و متعالی، بدن به‌عنوان شکل و رفتار بدنی به جای ترسیم شکلی واجد ماهیتی مفهومی، گاهی ارائه مفهومی به‌عنوان زبان و بیان دغدغه‌های اجتماعی با حرکات بدن به‌عنوان ابزار و راهی برای تحول از نظام کلمات به دنیای اجراها (سمیع آذر، ۱۳۹۶). بازنمایی هنرمندانه از بدن به منظور پیامد مستقیم فرهنگی مجذوب هستی جسمانی و استفاده از بدن برای تبلیغات تجاری و فرهنگی و نمایش بدن برای درک بهتر بدن‌ها و درک قرابت ها و افتراق‌های آن (دی بندتو ، ۲۰۰۲، به نقل از تسلر، ۲۰۰۲). – همراه با سخنرانی و حرکات بدنی(چولاندیم، آرت گالریز). غالباً استفاده برای اعتراض (پاکباز، ۱۳۸۷).

70. Action and body Art
71. Situationism

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنـــــر و زبان[۷۲]	هنر و زبان	این هنر ارائهٔ یـک مفهـوم بـا کلمـات می‌باشد. آثار کلمـــات و حـــــروف تبـدیل بـــه قـــــویترین وســـــایل ارتباطی می-شوند.	زبان برای ایجاد ارتباط و باز کردن راهی جهت دیدن، زبان تبدیل به بخشی کامل و ابزاری جهت کنش، زبان تأثیر بـر ادراکـات حسـی و تغییـر آنهـا و اقـدام بـه تشخیص ماده و تولید، زبان کاهش دهندهٔ ادراکات حسی و ایجاد مـواد و فضـای جدید برای ایده‌ها و روند خلق هنر، زبان موجب ارتباط بیشتر با ایده‌ها، زبان بوجود آورندهٔ نوعی گفتگـو و مکالمـه بـین ایـده و بیننده و زبان باعث خلق فضای فعال برای اثر هنری (یان بـرن بـه نقل از امیر حاجبی، ۱۳۹۸). زبان به‌عنوان یک رسانهٔ هنری(یان ویلسون به نقل از امیـر حاجبی، ۱۳۹۸). هنر زبان به‌عنوان حقیقت گویی با محتوای عاقلانـه بـرای جلب توجه مخاطـب بـه مفـاهیم اجتمـاعی ، سیاسـی و روانشناسی در گزاره‌ها (جنتی هولترز، به نقـل از مارزونـا، ۱۳۹۶). زبان به‌عنوان تکامل کارهای دستورالعملی به آثـاری ماننـد موسیقی– متن، زبان برای آرایش فعالیت‌های بالقوه به شکل تجسـمی در ذهن انسان، زبان به‌عنوان ارائهٔ یک ایدهٔ هنری برای بیان حقایق و زبان ابزاری برای نفی بصریت و زبان به‌عنوان ایجاد رابطـه با سایر فرم‌های فرهنگی مانند نقـادی و نظـری (آزبـورن، ۱۳۹۰).

[72] Art and Language

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنر روایتی[۷۳]	هنر روایتی و هنر داستانی	این هنر روایتگری در محیط با نشان دادن تاثیر یک اتفاق	- واقع‌شدگی: بازنمودی است واقع در بافتی گفتمانی یا موقعیت روایی معین، بازنمودی که تنها با توجه به شرایط وقوعش تعبیر می‌پذیرد، - توالی رویدادها: این بازنمود، خواننده را به سوی درک ساختار زمانی رویدادهای عینیت یافته در داستان رهنمون می‌شود آشفتگی یا برهم خوردن، - جهان‌پردازی: این رویدادها موجب نوعی تعادل در جهان داستانی با عوامل انسانی یا شبه انسانی می‌شوند، خواه این جهان واقع‌نما باشد یا خیالی، حقیقت‌گونه باشد یا موهوم، در یاد باشد یا در رؤیا، - بوم‌پنداری: بازنمود روایی، همچنین با برجسته‌سازی تأثیر رویدادهای داستان بر ذهن اشخاص حقیقی یا شخصیت‌های خیالی، تجربهٔ زیستن در جریان داستان را به خواننده القا می‌کند، - راهکاری برای آینده و تغییر بشر، - راهکاری در تقابل با تشریح شناخت زمان و فرایند و - ایجاد سؤال‌های بسیار در ذهن مخاطب با روایت و روایت‌های یک با ابزار مختلف (هرمن، ۱۳۹۳). - محملی برای بیان ایده‌ها و دغدغه هنرمندان معاصر برای انتقال پیام (نظر پژوهشگر با بررسی آثار).

[73] Narrative Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنر اتفاق[۷۴]	هنر اتفاق و هنر رویداد	این هنر ایجاد مفهوم به‌وسیلهٔ یک اتفاق در محیط و نتایج آن	به‌کارگیری عنصر تصادف و فرصت در آثار، وجود هنر در عرصهٔ کنش‌های روزمرهٔ انسان معاصر، ارج نهادن به لحظهٔ حال و زندگی عادی و طبیعی انسان، زمان مسئله‌ای مهم و مورد توجه، واقعی و ناپیوسته، زمان در شکل طبیعی می‌تواند حفظ و نمایش فضاهای متعدد در یک توالی باشد و استفاده هنرمند با درک تناسبات حرکت، اتفاق، فضا و زمان موضوعات و اجرای این هنر فقط یک‌بار (کاپرو، ۱۹۵۶). کنار زدن محدوده مشخص برای اجرا و تبدیل آن به محدودهٔ آزادتر و دست‌یافتنی‌تر، تأکید از تماشای انفعالی به شرکت فعالانه و غافلگیر کننده تماشاگرا و، وجود همزمانی و نقطه نظرهای چندگانه به جای نظم رایج علت و معلولی با شکستن مرزهای میان هنرها (سعیدی کیاسری، ۱۳۹۰).

[74] Happening Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنر پردازشی[۷۵]	فرمانشناسی و دانش(واپاد شناسی) شناخت-کاربردهای کامپیوترو سازواره-های الکترونیکی همانند آن	این هنر بر پایهٔ دانش سنجش میان دستگاه عصبی ومغزخودکار با دستگاه الکترونیکی ، مکانیکی و استفاده از هنر مجازی و اینترنتی است.	انعطاف‌پذیری زیاد در هنر تصویرپردازی با فناوری دیجیتال، توان اصلاح هر عنصری از تصویر در کامپیوتر، تصویر در هنر سایبرنتیک منظومه‌ای پویاست و تعامل و تکمیل کار هنری وابسته به بیننده در عصر دیجیتال و زنده بودن انتزاع در هنر کامپیوتری (راش، ۱۳۸۹). امکان پذیر بودن هنر سایبرنتیک در هر زمان و مکان و قالب وگسترش دامنهٔ مخاطبین (بابایی، ۱۳۹۲ به نقل از باهنر و اکالر، ۲۰۱۰).

[75] Cybernetic

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

انواع هنر مفهومی	تعریف لغوی	تعریف هنری	گزاره ها
هنر زباله[۷۶]	هنـز زبالـه یـا هنـر احیای زباله ویـا هنـر بازیافت	هنر اسـتفاده از مـواد دور ریختنـی و تولیـد اثـری بـا ایـده‌ای خاص	– توجه به بازیافت برای محافظت از محیط‌زیست، – برجسته نمودن تخریب کرهٔ زمین، – نتقاد به مصرف بیش از حد و تولید زباله، – قابلیت انعطاف در استفاده با هر مادهٔ اولیه، – نمایان شدن در همهٔ رشته‌های هنری، – اجازه زندگی دوباره به مواد(زباله) و – آموزش به کودکان در توجه به محیط‌زیست و اهمیت بازیافت (سایت ایبردرولا، ۲۰۲۰). – راهی برای ایجاد جذابیت و جلب نظر مخاطب، – اشاره به بازیافت مواد و امکان تبدیل مواد دور ریز به موادی قابل مصرف و زیبا **و** – پیامی در اعتراض به جامعه مصرف‌گرای انسانی و نابودی طبیعت و جلب توجه افراد به محافظت از محیط‌زیست (دانشگر و سنجی، ۱۳۹۶).

جدول شماره ۳: استخراج مقوله‌های اولیه از ویژگی‌های به‌دست آمده از تحلیل مفاهیم هنر مفهومی

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
– دخیل شدن مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در هنر، – توجه به خواستگاه سیاسی، اجتماعی در هنر(نقاشی، موسیقی، مجسمه سازی، تئاتر و فیلم)،	توجه به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در هنر

[76] Trash Art

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- توجه به مضامین اجتماعی مانند فقر و فحشا، - توجه به نمادهای: قدرت، شهرت، مصرف‌گرایی، جنسیت، فاجعه‌های انسانی و مرگ، - اهمیت به بعد اجتماعی و سیاسی، - برای بیدارساختن انسان و توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی، - عکسهای دو تایی با موضوع گذر زمان و تحولات اجتماعی، - دارای پس زمینهٔ ذهنی و اجتماعی در نوع قیاس موضوعی موجد معنا و تفسیر، - بیان یک مفهوم با رویکرد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هنری توسط ویدئو، - نگاه فرهنگی و اجتماعی در عکاسی مفهومی، - وسیله‌ای برای بیان مسائل با رویکرد سیاسی، فرهنگی، انسانی و اجتماعی مانند: محیط زیست، آزادی، خطرات هسته-ای، فجایع انسانی و کشتارهای جنگ ، -ارتباط مستقیم با مناسک و آیین‌های اجتماعی رایج در فرهنگ‌های مختلف جوامع جهانی،	

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
-گاهی حاوی معانی اجتماعی مانند توجه به تخریب محیط زیست و رابطهٔ آن با انسان.	
- چالش تجسم فیزیکی و نقد هنر با تلاش‌های تحلیلی، - پیامی در اعتراض به جامعه مصرف گرای انسانی و نابودی طبیعت، - ایده‌های انتقادی اغلب در ستیز با مدرنیسم فرم‌گرا، - نگاه انتقادی به ذات هنر مدرن، - نقد چهار ویژگی هنر مدرن مانند: شیئیت، بیان‌رسانه، بصیرت و استقلال. - اهمیت به مفهوم عاملیت به جای تأکید بر اثر هنری.	نگاه انتقادی به وجوه هنر مدرن
- اهمیت به ایده و مفهوم، - امکان عدم وجود هنرمند (دادن ایده و اجرا توسط فرد دیگر)، - فعال سازی یک محیط یا یک مفهوم با برخوردهای ظاهراً هنری (پیدا کردن ارزش هنری با اثرهنری چیدمان)، - به چالش کشیدن هنر برای هنر و بیان هنر به مثابه ایده، - تغییر نگاه صرفاً اقتصادی و مالی هنر به ایده و تفکر،	توجه به ایده و مفهوم در هنر

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- تغییر خلوص شکلی در هنر به خلوص مفهومی، - خلق و انتقال یک مفهوم یا ایده توسط عکس، - هنر ویدئو در هنر پست مدرن مبتنی بر ایده و محتوی و تأثیر اثر هنری بیش از زیبایی شناسی با هر تکنیک و شکل بیان، - اجتناب از قصه گویی، گرایش به بازنمایی تصویر و و یا مفهوم مجرد اما ساده و باورپذیر (نوعی کثرت داستانی) در هنر اجرا، - توجه به کلیت و اهمیت به مفهوم، - عکس – نشانه (تصویر مستقل و معنازایی و دلالت پذیری تصاویر عکاسانه با جابه-جایی نشانه‌ها)، - بدن به عنوان شکل و رفتار بدنی به جای ترسیم شکلی واجد ماهیتی مفهومی، گاهی ارائه مفهومی به عنوان زبان.	
- توجه به گفتگو و دستیابی به تفاهم متقابل از طریق فرایند خلاقیت، - مخاطب هم نظاره‌گر و هم تکمیل کننده اثر هنری ، - بوجود آمدن اثر خلاق توسط هنرمند و	توجه به تعامل و تفاهم متقابل هنر و مخاطب

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
بینندهٔ هنرتوآمان، - حضور فعال مخاطب در اثر، - هنر اجرا روندی دو سویه از سهیم شدن در یک اتفاق در حال انجام است (ایجاد تعامل عملی و ترغیب و تشویق مخاطب به عکس‌العمل)، - رابطه و تعامل اثر و مخاطب، - تأکید از تماشای انفعالی به شرکت فعالانه تماشاگران، - انتقال تأکید از نقطه نظر هنرمند به آگاهی تماشاگر، - حذف فاصله بین نمایش و واقعیت (ایجاد رابطه و تعامل)، - معنا گرفتن از مکان و محیط ارائهٔ اثر و بازخورد تماشاگر، - راهی برای ایجاد جذابیت و جلب نظر مخاطب، - تبدبل به هنر تعاملی و تکمیل کار هنری وابسته به بیننده.	
- توجه به قابل رویت کردن پروسهٔ همان فضای خصوصی میان هنرمند و اثر، - مواجهه مخاطب با جهان و زیست هنرمند،	تعامل مخاطب با هنرمند و اثر

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- مخاطب و اجرا کنندهٔ هنر به عنوان بخشی از اثر، - تعامل فعال با مخاطب، - خلق نوعی موقعیت خلاق ذهنی و روانی در ارتباط با تماشاگر.	
- نوآوری در فرم هنری، - نوآوری در اجرای برنامه های اجتماعی، - دیدن هنر از دریچه‌های جدید، - دیدن جهان به صورت حجمی و فضایی به جای خطی‌وزمانمند، - بازآفرینی معنی بکر در بستری جدید، - زبانی نو برای بیان هنری، - بدن یک رویکرد تجربی تازه و یک بدعت رسانه ای در هنر،	نوآوری در هنر
- نوآوری در بردن هنر بیرون از گالری‌ها، - خارج نمودن نمایش و اجرا از سالن‌ها، به مکان‌های عمومی، - استفاده از فضاهای مختلف در ارائه هنر مرتبط با زندگی، - اجرا در فضاهای خصوصی (موزه‌ها و گالری‌ها) و عمومی، - انجام در هر مکان و بدون محدودیت زمانی،	تنوع در ارائهٔ هنر و مکان اجرا

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- امکان انجام اجرا در مکان عمومی یا خصوصی، - گسترهٔ مکانی متنوع و زمانی نامحدود، - کنار زدن محدوده مشخص برای اجرا و تبدیل آن به محدودهٔ آزادتر و دست-یافتنی‌تر مانند پارک‌ها، - امکان پذیر بودن هنر سایبرنتیک در هر زمان و مکان و قالب.	
- معنا بخشیدن به موارد متفاوت زمان مانند: زمان متوقف شده، زمان تسریع شده، زمان به عقب برگردانده شده، زمان واقعی و یا زمان مجهول، - گسترهٔ مکانی متنوع و زمانی نامحدود، - راهکاری در تقابل با تشریح شناخت زمان و فرایند، - زمان مسئله‌ای مهم و مورد توجه، واقعی و ناپیوسته، - زمان در شکل طبیعی می‌تواند حفظ و نمایش فضاهای متعدد در یک توالی باشد، - امکان پذیر بودن هنر سایبرنتیک در هر زمان و مکان و قالب وگسترش دامنهٔ مخاطبین.	توجه و تنوع به زمان اجرای هنر

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- نوآوری در از میان بردن مرزهای هنرها (موسیقی، اجرا و...، - ایجاد وحدت بین هنرهای بصری و ادبیات به ویژه شعر و نمایش، - استفاده از ترکیبی از هنرهای تجسمی، معماری، تئاتر، هنر اجرا و سینما، - اصل انتقال پیام به مخاطب از تمامی امکانات، از جمله شیوه‌های کلامی، حرکات آکروباتیک، اجرای موسیقی زنده یا پخش موسیقی، هنرمجسمه‌سازی، نقاشی، - توانایی اجرای درام با ملزوماتی مانند: هنر بدن، هنر نقاشی، هنر مجسمه سازی، هنر ویدئو، هنر محیط، هنر موسیقی، هنر آیین، هنر صوتو غیره و تبیین نکات تازه‌تر، - ترکیبی از هنرهای تصویری، شنیداری و اجرائی فرهنگ عامه و زندگی روزمره، - اتفاق‌ها واقعه‌هایی چند رسانه‌ایی با شکستن مرزهای میان هنرها، – نمایان شدن در همهٔ رشته‌های هنری (محدود نبودن به هیچ رشتهٔ هنری).	امکان تلفیق هنرها با هم
- استفاده از مواد و اشیاء غیرسنتی و	امکان استفاده از مواد متنوع و غیر

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
غیررایج در ترکیب خلاقانه‌هنر، - استفاده از خاک به عنوان مواد اولیه برای اجرای هنر به عنوان نقاشی و مجسمه سازی و ...، - تنوع در متریال، تنوع در سبک، تنوع در اجرا و نیز تنوع در مفاهیم مورد نظر هنرمند، - تنوع مواد مورد استفاده (رنگ روغنی، فلز و سنگ، هوا، نور، صدا، کلمات، مردم، زباله و...)، - استفاده از هرشیء در دسترس در اثر هنری، - به‌کار بردن مصالح متنوع برای رساندن پیامی معین، - استفاده از انواع و اقسام مصالح هنری در عکس برای رساندن مفهوم و پیام به مخاطب، - اجازه زندگی دوباره به مواد (زباله). - حاوی انواع داده‌های صوتی و تصویری، - قابلیت انعطاف در استفاده با هر مادهٔ اولیه.	معمول
- استفاده از طیف گستردهٔ از موضوعات، سبک‌ها و تکنیک‌ها،	امکان تنوع در موضوعات، سبک‌ها و تکنیک‌ها

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- تنوع در متریال، تنوع در سبک، تنوع در اجرا و نیز تنوع در مفاهیم مورد نظر هنرمند، - استفاده از تمام سبک های هنری، - هنر ویدئو در هنر پست مدرن مبتنی بر ایده و محتوی و تأثیر اثر هنری بیش از زیبایی شناسی با هر تکنیک و شکل بیان، - توجه تماشاگر به چند نقطه و چند موضوع (برعکس تئاتر که توجه به یک موضوع است)، - امکان پذیر بودن هنر سایبرنتیک در هر زمان و مکان و قالب وگسترش دامنهٔ مخاطبین.	
- ایجاد وحدت بین فیلم، موسیقی، تایپوگرافی و عناصر زندگی روزمره، - تلفیق هنر و زندگی با استفاده از اشیاء واقعی در نقاشی و مجسمه‌سازی، - وابستگی آثار هنری به تکنیک‌های فرهنگ بصری تودهٔ مردم، - استفاده از طیف گسترده‌ای از مواد روزمره و طبیعی، - برداشتن شکاف هنر و زندگی در این هنر،	امکان تلفیق هنر با عناصر زندگی روزمره

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- وجود هنر در عرصهٔ کنش‌های روزمرهٔ انسان معاصر.	
- نفی و ترد هر گونه نوستالژی و کهنه پرستی، - رد و به چالش کشیدن ارزش‌های سنتی هنر، - شکستن قفل کهنه و آوردن ارزش‌های جدید به فرهنگ آن دوران توسط هنرمندان، - نفی مفاهیم عمیق فلسفی، - نفی تاریخ‌گرایی، - نفی رسانهٔ نقاشی و طرد فرم و زیبایی، - واکنش به تحولات فرهنگی جامعهٔ سرمایه‌داری.	نفی کهنه پرستی واضافه نمودن ارزشهای جدید
- قطعیت کنش‌های کلامی، - توجه به زبان به عنوان بخشی از هویت انسانی و نه تمام آن، - زبان برای ایجاد ارتباط و باز کردن راهی جهت دیدن، - زبان تبدیل به بخشی کامل و ابزاری جهت کنش، - زبان تأثیر بر ادراکات حسی و تغییر آنها و اقدام به تشخیص ماده و تولید،	امکان تلفیق هنر با کلام و زبان

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- زبان کاهش دهندهٔ ادراکات حسی و ایجاد مواد و فضای جدید برای ایده‌ها و روند خلق هنر، - زبان موجب ارتباط بیشتر با ایده‌ها، - زبان بوجود آورندهٔ نوعی گفتگو و مکالمه بین ایده و بیننده، - زبان باعث خلق فضای فعال برای اثر هنری، - زبان به عنوان یک رسانهٔ هنری، - هنر زبان به عنوان حقیقت گویی با گزاره‌هایی با محتوای عاقلانه برای جلب توجه مخاطب به مفاهیم اجتماعی و سیاسی و روانشناسی در گزاره‌ها، - زبان به عنوان تکامل کارهای دستورالعملی به آثاری مانند موسیقی– متن، - زبان برای آرایش فعالیت‌های بالقوه به شکل تجسمی در ذهن، - زبان به عنوان ارائهٔ یک ایدهٔ هنری برای بیان حقایق، - زبان ابزاری برای نفی بصریت، - زبان به عنوان ایجاد رابطه با سایر فرم-های فرهنگی مانند نقادی و نظری.	

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- توجه به ابداعات و اختراعات تکنولوژی، - استفاده از فناوری در هنر، - انعطاف‌پذیری زیاد در هنر تصویرپردازی با فناوری دیجیتال، - توان اصلاح هر عنصری از تصویر در کامپیوتر، - امکان پذیر بودن هنر سایبرنتیک در هر زمان و مکان و قالب وگسترش دامنهٔ مخاطبین، - تصویر در هنر سایبرنتیک منظومه‌ای پویاست.	امکان تلفیق هنر با تکنولوژی و فن-آوری
- استفاده از طیف گستردهٔ رسانه‌های هنری(چاپ، عکس و فیلم ، - استفاده از رسانه(عکس و فیلم) برای انتقال پیام اثر هنری، - تنوع رسانهٔ هنری (عکس و فیلم و ..)، - سهولت انتقال اطلاعات (آزادی هنرمند در انتخاب نوع رسانه و تکنیک انتقال پیام)، - استفاده از رسانه های جدید نظیر ویدئو، صدا، پرفورمانس، کامپیوتر و حتی اینترنت، - امکان تک کاناله (پخش از یک منبع) یا	امکان استفاده از رسانه‌های گوناگون برای انتقال پیام

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
چند کاناله (پخش اثر از چند منبع)، - اتفاق‌ها واقعه‌هایی چند رسانه‌ایی با شکستن مرزهای میان هنرها.	
- اهمیت به بعد جهانی و بومی، - مخاطب وسیلهٔ ارتباط اثر هنری با جهان بیرون و کمک به تغییر اثر پذیری و کامل شدن و تأثیر آن برجهان، - رجوعی آگاهانه به معانی و سنت‌های تصویری بومی، - بوم‌پنداری: بازنمود روایی، همچنین با برجسته‌سازی تأثیر رویدادهای داستان بر ذهن اشخاص حقیقی یا شخصیت‌های خیالی، تجربهٔ زیستن در جریان داستان را به خواننده القا می‌کند.	توجه به بعد جهانی و بومی
- غلبهٔ اثر هنری بر تمامیت معماری اطراف آن، - رابطهٔ پویا بین محیط و هنر، - آثار هنری متأثر از نیروهای طبیعی مانند: باد، باران، صاعقه و زمین لرزه، - ارائهٔ راهکارهای نو برای همزیستی با محیط، - هماهنگی بین بخشی از محیط با اثر خلق شده،	رابطهٔ هنر و محیط و تأثیر بر همدیگر

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- تفسیر و اطلاع رسانی طبیعت و فرایند-های آن، - محیط اجرا بخشی از هنر.	
- توجه به گفتگو و دستیابی به تفاهم متقابل از طریق فرایند خلاقیت، - حاوی دانش بصری و دانش ارائهٔ تفکر و خلاقیت در قالب رسانهٔ ویدئو، - وسیله‌ای برای مواجهه با حادثه‌های اسرارآمیز و چند ساحتی، - یک راهکار آموزشی برای تشریع اندیشه‌ها و احساسات با خلق اثر هنری،	توجه به خلاقیت
- استفاده از مدیوم‌های دست‌ساز و حاضرآماده در تصاویر، - بازتولید تصاویر موجود، - اضافه نمودن ابعاد جدید معنی به اشیاء در دسترس و آماده.	امکان افزودن معنی و مفهوم به اشیاء آماده
- نگاه انتقادی به موضوع یا مسئلهٔ اجتماعی توسط مفهومی در عکس، - هنر کنشی و بدن غالباً استفاده برای اعتراض، - پیامی در اعتراض به جامعه مصرف‌گرای انسانی و نابودی طبیعت.	هنر به عنوان انتقاد به مسائل اجتماعی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ویژگی‌های مفاهیم تحلیل شده	مقوله‌های اولیهٔ استخراج شده از ویژگی‌ها
- آزادی بی حد و حصر هنرمند: گاه تعاریف و باز تعاریف سیاست، هویت-های فردی و فرهنگی از طریق روایت-های خطی و غیر خطی نوین، گاه چند وجهی، گاه پرداختن به بدن هنرمند و اجرای او، گاه با حضور تماشاگر و کنش‌های او (تعاملی یا محاوره‌ای)، - گاهی استفاده از گونهٔ سینمای تجربی، - معمولاً نداشتن قصه یا روایت در اجرا، - گاهی به صورت پرفورمنس و زنده و گاهی با واسطهٔ عکس، فیلم، و ویدئو، - قدرت و تأثیر این رسانه (ویدئو) در بداهه پردازی، - امکان استفاده از شیوه‌های متنوع فعالیت-های هنری (چیدمان، هنر اجرایی ، هنرروایتی، هنرفیزیکی، هنر زمینی، هنر و زبان، هنر عکس، هنر ویدئو، هنر بدن، هنر کنشی وبدن، هنر اتفاقی، هنر فرایندی، هنر پردازشی، هنر حاضرآماده ، هنر زباله، هنر خاکی). - برگرداندن معنا و زیبایی با هم به پیکر اثر هنری،	آزادی هنرمند در انتخاب هر مواد و طریقی در رساندن پیام به مخاطب

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

- ارائه به وسیلهٔبدن هنرمند (به عنوان ابزار هنری) و ذهن هنرمند، - نگاه تحلیلی به بدن و توانای‌ها و محدودیت آن، - مطالعهٔ هویت جسمی و کارکرد اجزاء بدن، - بدن هم به عنوان موضوع هنر و هم نوعی زبان برای بیان، - بدن گاه وسیلهٔ مکاشفهٔ مفهوم و گاه هدف، - بدن زمینه‌ای برای شناخت خویش، - بدن گاهی واجد انرژی و تجربه، - تجربه هنری ساده و سهل‌الوصول ولی نیاز به استعدادهای استثنایی و متعالی، - نمایش بدن برای درک بهتر بدن‌ها و درک قرابت ها و افتراق‌های آن، - استفاده از بدن به عنوان ابزار ، - راهی برای تحول از نظام کلمات به دنیای اجراها، - استفاده از بدن به عنوان مجسمه‌های زنده.	امکان ارائه توسط بدن و ذهن هنرمند
- درگیر شدن اثر با ذهن مخاطب،	توجه به ذهن واندیشهٔ مخاطب

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

- اهمیت به اندیشه در پس ایدهٔ نظری هنری برای پیدا کردن اثر، - تحول از حالت فیزیکی به ذهنی، - برای ایجاد سؤال‌های بسیار در ذهن مخاطب با روایت، - چالش تجسم فیزیکی و نقد هنر با تلاش-های تحلیلی.	
- تأکید بر ادراک مستقیم و کلی (شالودهٔ واحد و یکپارچه)، - ویدئو تمامیت خواه نیست بلکه جزئی از کل را نشان می‌دهد، - توجه به کل متشکل از جزء، - توجه به کلیت و اهمیت به مفهوم،	توجه به کلیت و رویکرد استقرایی (جزء به کل)
- توجه به شرایط حال و نگاه به آینده، - راهکاری برای آینده و تغییر بشر، - توجه به هیجان، - توجه به اراده، خواست و قدرت. - ارج نهادن به لحظهٔ حال و زندگی عادی و طبیعی انسان.	توجه به تمایلات انسانی و حال و آینده و تغییر بشر
- توجه به ارزش‌های فرهنگی جدید، - توجه به فرهنگ‌های مختلف و تبادل آنها، - توجه به وجههٔ چند فرهنگی.	توجه به فرهنگ‌های مختلف
- موضع فمنیستی نقادانه در برابر تبعیض اجتماعی. - توجه به دیگری .	توجه به دیگری و فمنیسم

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

- تغییر شیوهٔ اندیشیدن در هنر، - واداشتن به تفکر مخاطب با عکس مفهومی، - پرداختن به شیوه‌های تفکر و فرایند آفرینش هنر به دور از اصالت دادن و ارزش گذاری به اثر هنری.	توجه به اندیشه و تفکر
- پیش پا افتاده بودن موضوعات، - هنری خالی از پیچیدگی و حذف تجملات در هنر (سادگی و ایجاز)، - اثر هنری ساده و حسی، - اقتصادی بودن آثار هنر مفهومی.	سادگی و دوری از تجملات در موضوع هنر
- بیان دغدغه‌های اجتماعی با حرکات بدن به عنوان ابزار، - محملی برای بیان ایده‌ها و دغدغه‌های هنرمندان معاصر برای انتقال پیام به مخاطب، - تجسم از پیش تعیین شدهٔ یک مفهوم برای مقاصد تبلیغاتی یا تصویر سازی، - بازنمایی هنرمندانه از بدن به منظور پیامد مستقیم فرهنگی مجذوب هستی جسمانی، استفاده از بدن برای تبلیغات تجاری و فرهنگی.	توجه به ایده و مفهوم و دغدغه‌های هنرمند برای انتقال پیام
- امکان اجرا با مشارکت یا بدون مشارکت مخاطبان، - امکان اجرا به صورت ضبط و پخش شده	امکان تنوع در اجرا

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

توسط رسانه‌ها با یا بدون حضور اجرا کننده، - امکان اجرا به صورت ذهنی، مفهومی یا عملی و فیزیکی با کلام یا بدون کلام، - عدم نیاز به بازیگر حرفه‌ای، - امکان تکرار پذیری، - گاهی همراه با سخنرانی و حرکات بدنی، - استوار بر زنده بودن و عین واقعیت بودن.	
- برپایی سازه‌های خاکی و سیمانی در روی زمین به عنوان صحنه و بوم (تنوع در صحنه و بوم)، - عظیم و بزرگ بودن اثر هنری (تنوع در اندازهٔ اثر هنری)، - تنوع در اندازهٔ اثر، - کثرت بی ثابقهٔ؛ سبک‌ها، فرم، تجارب و برنامه، - امکان واقعی ویا رویاگونه و یا حتی فراواقعی (تنوع در انتزاع)، - امکان وجود اهداف متفاوت، گاهی دارای بعد سودمندی قوی (نمایش‌های آیینی و تعزیه) و گاهی دارای جنبهٔ سرگرمی (تئاتر کلاسیک)، - قوی‌تر بودن وجه سودمندی نسبت به جنبهٔ سرگرمی، - امکان اجرا به صورت تصادفی یا کاملاً	تنوع در ارکان متفاوت هنر

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

برنامه‌ریزی شده، - گاهی توجه به موقعیت گرایی، - ویدئو می‌تواند فاقد روایت، دیالوگ و طرح باشد(نبودن در قالب سینمایی)، - ویدئو برعکس سینما (اثر تهاجمی) هنری دموکراتیک،	
- تلفیق هنر با اهداف زیست محیطی، - ارائهٔ راهکارهای نو برای همزیستی با محیط، - جلب توجه افراد به محافظت از محیط زیست، - بازگشت به طبیعت با هنر، - تأکید بر وحدت هنر و طبیعت و خلق آثار هنری، - تأکید بر وحدت واقعیت فیزیکی جهان (که هنرمند در آن سهیم است).	امکان تلفیق هنر با اهداف زیست محیطی
- توجه به بازیافت برای محافظت از محیط زیست، - برجسته نمودن تخریب کرهٔ زمین، - اجازه زندگی دوباره به مواد(زباله)، - آموزش به کودکان در توجه به محیط زیست و اهمیت بازیافت، - انتقاد به مصرف بیش از حد و تولید زباله، - اشاره به بازیافت مواد و امکان تبدیل مواد	توجه به بازیافت

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

دور ریز به موادی قابل مصرف و زیبا، - پیامی در اعتراض به جامعه مصرف‌گرای انسانی و نابودی طبیعت.	
- بازنمودی است واقع در بافتی گـفتمانی یا موقعیت روایـی معین، بازنمودی که تنها با توجه به شرایط وقوعش تعبیر می‌پذیرد (واقع شدگی)، - جهان‌پردازی: این رویدادها نیز به نوبهٔ خود موجب نوعی تعادل در جهان داستانی با عوامل انسانی یا شبه انسانی می‌شوند، خواه این جهان واقع‌نما باشد یا خیالی، حقیقت‌گونه باشد یا موهوم، در یاد باشد یا در رؤیا، - توالی رویدادها، خواننده را به سوی درک ساختار زمانی رویدادهای عینیت یافته در داستان رهنمون می‌شود، - روایت‌های یک وجهی (نوشتاری یا صوتی و چند وجهی (مصور با فیلم) (تنوع در روایت)، - عکس – گزارش (مجموعه‌ای تصاویر مستند گونه و روایتگر)، - عکسهای دو تایی با موضوع گذر زمان و تحولات اجتماعی، - توجه به مسیر و سلوک، - در اختیار قرار دادن نسبت بین فرایند با	توجه به فرایند و روایت در هنر

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ابتدا و انتهای مسیر.	
- اجرای هنر فقط یک بار، - به‌کارگیری عنصر تصادف و فرصت در آثار، - اتفاق‌ها واقعه‌هایی چند رسانه‌ایی با شکستن مرزهای میان هنرها.	توجه به اتفاق و تصادف
- زیبایی شناسی ماده‌گرایی، - بازی با نشانه‌ها و تداعی معانی در قلمرو فرهنگ مادی، - غالباً غیر قابل فروش اثر هنری. - گذرا بودن و تغییر شکل‌های زود گذر، - ناپایداری آثار هنری،	توجه به ماده و خصوصیات آن
- هنر ویدئو ابزار اصلی تعلیم و تربیت و ارتباطات حرفه ای، - همکاری هنرمندان با دانشمندان، پژوهشگران و آموزگاران و ... در آثار هنری،	استفاده ویدئو در تعلیم و تربیت

جدول شمارهٔ ۴ مقوله‌های ثانویه و اصلی را نشان می‌دهد که ازمقوله‌های اولیهٔ انواع هنرمفهومی استخراج شده‌اند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

جدول شماره۴: جدول مقوله‌های اصلی هنرمفهومی

مقوله‌های ثانویه	مقوله‌های اصلی
مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تمایلات انسانی و حال و آینده و تغییر بشر	استفاده از هنر در بستر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی
نگاه انتقادی به وجوه هنرمدرن هنر به عنوان انتقاد به مسائل اجتماعی انتقاد به مسائل اجتماعی	نگاه انتقادی و توجه به نقد به منظور تغییر ادراک
فرهنگ‌های مختلف توجه به دیگری و قمنیسم	توجه به زیبایی‌شناسی فرهنگی و فرافرهنگی در گروه‌های اجتماعی
ایده و مفهوم برای انتقال پیام نوآوری خلاقیت اندیشه و تفکر نفی کهنه‌پرستی واضافه نمودن ارزش‌های جدید کلیت و رویکرد استقرایی (جزء به کل) فرایند و روایت اتفاق و تصادف سادگی و دوری از تجملات	بستر هنر برای ظهور خلاقیت و نوآوری در مسیر توسعهٔ پایدار
تعامل و تفاهم متقابل با مخاطب ذهن واندیشهٔ مخاطب آزادی در انتخاب هر مواد وطریقی در رساندن پیام به مخاطب	تعامل با مخاطب در تولید، معنابخشی، نقد و تغییر اثر هنری
رابطهٔ محیط زندگی با مخاطب و تأثیر بر همدیگر مسائل جهانی اهداف زیست‌محیطی	توجه به پایداری زیستی در بعد جهانی و منطقه‌ای
تنوع در ارائهٔ و مکان اجرا توجه و تنوع به زمان اجرا تنوع در موضوعات، سبک‌ها و تکنیک‌ها استفاده از مواد متنوع و غیرمعمول استفاده از رسانه‌های گوناگون برای انتقال پیام تنوع در اجرا ارائه توسط بدن و ذهن هنرمند افزودن معنی و مفهوم به اشیاء آماده استفاده از ویدئو در رساندن پیام	امکان تنوع در ماده، تکنیک و رسانه در رساندن پیام
تلفیق هنرها با هم برای ارائهٔ مطالب تلفیق ارائه با عناصر زندگی روزمره تلفیق ارائه با کلام و زبان	امکان تلفیق هنرها و رسانه‌ها برای رساندن پیام
تلفیق ارائه با تکنولوژی و فن‌آوری استفاده از رسانه‌های گوناگون برای انتقال پیام	بهره برداری از مفاهیم تحولات تکنولوژی در ادراک و ساختن مفاهیم

- در پاسخ به بخش دوم، نیاز به شناسایی ارکان رویکرد شخصی‌سازی بود که برای این امر ۱۵ مقاله مورد بررسی قرار گرفت و ۹ رکن یادگیری شخصی-

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

سازی (سبک‌های یادگیری، چگونگی یادگیری، سطوح یادگیری، محتوا، راهبرد و روش‌ها در تدریس، رسانه، ارزشیابی، زمان و مکان) از آنها استخراج گردید. منابع مورد استفاده عبارتند از: ریف(۱۹۹۲)، دان‌ودان (۱۹۹۳)، هارگریز (۲۰۰۶)، جمزکیف و جون‌جنکنز (۲۰۰۷)، مایکل‌فولان (۲۰۰۹)، مک‌ری (۲۰۱۰)، ایزومستی‌ایو (۲۰۱۲)، ماهون (۲۰۱۶)، جان‌اف‌پین و همکاران (۲۰۱۷)، رونادوبک (۲۰۱۷)، جنیفرگراف (۲۰۱۷)، راودیس (۲۰۱۸)، وندارآرک (۲۰۱۸)، جاستین‌رودیز (۲۰۱۸) و اریک‌شنینگر (۲۰۲۰).

طراحی الگوی برنامه‌درسی مبتنی بر هنرمفهومی با رویکرد شخصی‌سازی برای اجرا در سطح کلاس‌درس

همانطور که از ویژگی‌های برآمده از هنرمفهومی ملاحظه می‌شود؛ این نوع از هنر، بنیادش بر خلاقیت، تنوع، فردیت و ظهور در موقعیت است پس رویکرد اجرای این نوع برنامه‌درسی را ظهوریابنده در موقعیت و در سطح کلاس درس (خرد) می‌توان دنبال کرد. نقش مهم این رویکرد؛ معلم به عنوان عامل در سازگاری برنامه‌درسی با دانش‌آموزان و موقعیت‌های پیش‌آمده می‌باشد. بنابراین برنامه‌درسی منطبق با شرایط و سازگاری با شرایط شاگردان معنا می‌شود. همانطور که آریه‌لوی[۷۷] (۱۹۹۱) در یکی از حالت‌های برنامه‌ریزی توسط معلمان را سازگارسازی برنامه‌درسی با توجه به شرایط مختلف شاگرد معرفی می نماید.

اکنون با توجه به ویژگی‌های هنر و سازگارسازی برنامه‌درسی؛ می‌توان برنامه‌درسی شخصی یا یادگیری‌شخصی‌شده[۷۸] را برای اجرا در سطح کلاس‌درس در نظر گرفت. در این طرح که بر اساس الگوی شخصی است، معلمان در آن نقش اصلی را دارند. معلمان می‌بایست سبک‌های‌یادگیری شاگردان را شناسایی کنند. نظام اجرایی این طرح سازگارانه است (نظام‌درسی مدرسه‌محور البته از نوع مدرسه-

[77] Arieh Lewy
[78] Personalized learning

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

محور محدود). در این نظام اهداف معرف یک چارچوب کلی است و روش صورتبندی اهداف از انعطاف برخوردار است. معلم با توجه به سبک یادگیری، سطح توانایی و ظرفیت‌های شاگردان، فرایند آموزش را تدارک می‌بیند.

برنامه درسی مدرسه محور با حرفه‌گرایی و اختیار بیشتر مرتبط بوده تا برنامه‌های درسی به گونه‌ای طراحی شود، که با نیازهـای متنـوع کودکـان و اجتمـاع تناسـب داشـته باشـد (لی، ۲۰۰۶). در واقع برنامه درسی مدرسه محور مجموعه‌ای متنوعی از فعالیت‌ها است که برتصمیم‌گیری معلم دربـارهٔ آنچه که باید به دانش‌آمـوزان بیاموزد، تأکید دارد.

پیشنهاد می‌شود در برنامه‌درسی با رویکرد شخصی‌سازی مبتنی بر هنرمفهومی در دورهٔ ابتدایی، توجه ویژه به ویژگی‌های دانش‌آموز و همچنین ارزیابی و تشخیص سبک‌یادگیری دانش‌آموزان (توسط پرسشنامهٔ کلب[۷۹]) صورت پذیرد. و سپس ۹ مقولهٔ اصلی استخراج شده از هنرمفهومی که عبارتند از: (استفاده از هنر در بستر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی/ رویکرد انتقادی و توجه به نقد به‌منظور تغییر ادراک/ داشتن رویکرد زیبایی‌شناسی فرهنگی و فرافرهنگی/ توجه به هنر به‌عنوان بستر ظهور خلاقیت در مسیر توسعهٔپایدار/ تعامل با مخاطب در تولید، معنابخشی، نقد و تغییر اثر هنری/ رویکرد پایداری زیستی در بعد جهانی و منطقه‌ای/ امکان تنوع در ماده، تکنیک و رسانه در رساندن پیام/ امکان تلفیق هنرها و رسانه‌ها برای رساندن پیام/ بهره‌برداری از مفاهیم تحولات تکنولوژی در ادراک و ساختن مفاهیم) می‌باشد با ارکان یادگیری-شخصی‌سازی تلفیق گردد (جدول شمارهٔ ۴).

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش پیش‌نویسی از طرح الگوی برنامه‌درسی مبتنی برهنرپست‌مدرن و هنرمفهومی آماده گردید. در این مرحله الگوی طراحی شده با روش دلفی در دو مرحله، به قضاوت ۱۵ نفر از متخصصان حوزهٔ برنامه‌درسی، صاحب‌نظران حوزهٔ هنرپست‌مدرن و هنرمفهومی و نیز معلمان دورهٔ ابتدایی گذاشته شده و نظرات

[79] Kolb

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

آنها در مورد الگوی تدوین شده استخراج (جدول شمارهٔ ۴) سپس الگو اصلاح گردید و توسط متخصصان سه حوزه مورد تأیید قرار گرفت.

جدول شماره ۴: عوامل شناسایی شده در الگوی برنامه‌درسی با رویکرد شخصی-سازی مبتنی بر هنرمفهومی در دورهٔ ابتدایی

متخصصان مورد مصاحبه	عوامل شناسایی شده در مصاحبه
معلمان دورهٔابتدایی	- به خوبی به تنوع و تفاوت‌های فردی پرداخته شده است. - توجه و تنوع در اجرا به خوبی بیان شده است. - توجه به تنوع فعالیت‌ها و خلاقیت و نوآوری در این الگو خوب است. - معلم به تفاوت‌های فردی و هوش‌های چند گانه آشنایی داشته باشد. - معلمان به مهارت‌های فردی در ارتباط با تلفیق ویژگی‌های هنر مفهومی با ارکان شخصی‌سازی تسلط داشته باشند. - منابع کافی در اختیار معلم قرار گیرد.
متخصصان برنامه‌درسی	- تنوع و تلفیق مؤلفه‌های مهمی است که در الگو گنجانده شده است. - توجه به بعد جهانی و بومی بسیار مهم است که لحاظ گردیده است. - استخراج مفاهیم و تلفیق با الگو به خوبی صورت پذیرفته است. - بهتر است مؤلفه‌های هنرمفهومی دقیق‌تر و با جزئیات در ارکان الگو بیان شود - محتوا نیاز به تعریف و فعالیت‌های یادگیری مختلف دارد. - در محتوا کلید واژهٔ مبتنی بر اسلامی ایرانی قید گردد. - در محتوا از تخیل استفاده گردد. - ارائهٔ محتوا از ساده به مشکل باشد
متخصصان حوزهٔ هنرمفهومی	- به خوبی ویژگی‌های هنر عصر جدید استخراج و در الگو گنجانده شده است. - یافته‌ها بسیار مفید و خوب طراحی و در الگو گنجانده شده است. - بیان فراروایت‌ها و کثرت گرایی به خوبی در الگو لحاظ گردیده است. - مؤلفه‌های هنرمفهومی به روشنی بیان شود. - تجربه در یادگیری (مؤلفهٔ مهمی در هنرعصر جدید) در الگو مورد اهمیت قرار گیرد. - به مفهوم، ایده و درک مخاطب در ارکان الگو تأکید گردد. - نژادها، فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و دیگری؛ در ارکان الگو مورد اهمیت واقع شود. - از اندیشهٔ انتقادی در ارکان الگو استفاده گردد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

جدول شمارهٔ ۵: برنامه‌درسی مبتنی بر هنرمفهومی برای یادگیری‌شخصی‌سازی-

ارکان طرح شخصی‌سازی	چه امکاناتی؟	کدام راهبرد در اجرا توسط معلم (باتوجه به ویژگی‌های حوزهٔ هنرمفهومی) ؟
کدام سبک؟	تنوع در سبک‌ها یا ارزیابی و تشخیص سبک یادگیری دانش-آموزان	- ایجاد تنوع در برنامه‌درسی (انگیزشی، توسعه مفهوم، تمرینی و کاربردی) با توجه به سبک‌های یادگیری (تجربه عینی، مشاهده تأملی، مفهوم‌سازی انتزاعی، آزمایشگری فعال) برای دانش‌آموزان با توجه به تفاوت‌های فردی (ابتکاری خلیلی، تخیلی، تعلی و فعال) - مالکیت دانش‌آموز در انتخاب سبک یادگیری.
چگونه؟	تنوع در راههای یادگیری (طراحی مسیرهای یادگیری)	- ایجاد یک برنامه‌درسی با تعداد زیادی راه یادگیری با همان محتوا. - امکان حق انتخاب (راههای یادگیری) در انجام فعالیت‌ها. - امکان خلاقیت و نوآوری در موقعیت‌های یادگیری. - ایجاد برنامه های ابتکاری در مسیر یاددهی یادگیری. - قابلیت انعطاف در برنامه‌درسی طراحی شده.
چه سطحی؟	تنوع در سطوح محتوا و فعالیت‌ها (با توجه به تفاوت‌های فردی)	- ایجاد برنامه‌درسی با سطوح مختلف (از آسان به مشکل) برای عمیق‌تر شدن یادگیری‌یادگیرندگان (از مبتنی به متبحر یا تسلط) - امکان حق انتخاب در انواع سطوح محتوا و فعالیت‌ها (بر اساس شرایط دانش‌آموز). - قابلیت انعطاف در فعالیت‌های دانش‌آموزان. - ایجاد آکادمی‌ها و جوامع یادگیری کوچک.
چه محتوایی؟	تلفیق با مسائل مختلف زندگی	- تلفیق با مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه در محتوا. - توجه به چند فرهنگی (توجه به دیگری) در محتوا. - توجه به مسائل زیست‌محیطی و بازیافت در محتوا. - تلفیق مسائل جهانی در محتوا. - بومی‌سازی محتوا.
چه راهبرد و روش‌هایی در تدریس؟	تنوع در روش‌ها	- تلفیق در روش‌ها و تعامل با مخاطب در فرایند تدریس. - تلفیق انواع هنر در تدریس. - توجه به ایده، مفهوم و تخیل در تدریس. - امکان نقد در فرایند تدریس. - تنوع در موضوعات، سبک‌ها و تکنیک‌ها در تدریس. - امکان ایجاد خلاقیت و نوآوری در تدریس. - ایجاد برنامه‌های کار و مطالعه و کارآموزی. - امکان یادگیری مبتنی برپروژه. - ایجاد روابط، همکاری و ارتباطات با دیگر دانش‌آموزان در فرایند آموزش. - آموزش خودراهبری در فعالیت‌ها برای دانش‌آموزان.
چه نوع رسانه؟	تنوع در رسانه	- امکان استفاده از انواع رسانه و تکنولوژی برای رساندن پیام و تکالیف. - امکان دسترسی به محتوا و منابع دیجیتالی، منابع انسانی و ابزارها توسط دانش‌آموز. - امکان استفاده از وسایل الکترونیکی شخصی. - استفاده از فضای مجازی. - استفاده از چند فناوری.
چه ارزشیابی؟	تنوع در ارزشیابی	- امکان انتخاب در نوع ارزشیابی بر اساس تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان. - امکان تلفیق انواع ارزشیابی (از طریق فناوری، خودارشیابی، توسط دانش‌آموز و همسال‌سنجی). - امکان تلفیق انواع هنرها در ارزشیابی. - امکان ایجاد خلاقیت و نوآوری در ارزشیابی. - ایجاد فضای ارزشیابی مشارکتی. - ایجاد فضایی برای ارزشیابی فرایند یادگیری و تجربیات دانش‌آموزان. - بازخورد معنی‌دار و به موقع در طی فرایند یادگیری برای پیشرفت و اصلاح. - وجود ابزارهای تحلیلی برای پشتیبانی از روش‌ها (یادگیری، آموزش و مدیریت). - امکان نگاه نقادی در ارزشیابی موقعیت‌های یادگیری.
چه وقت؟	گزینه هایی بامحدودیت‌های زمانی متفاوت	- ایجاد برنامه درسی برای استفاده در هر زمان (مدرسه و خارج مدرسه). - ایجاد یادگیری طی زمان‌های مختلف برای دانش‌آموزان تا رسیدن به حد تسلط (آموزش برنامه‌ای). - امکان متغیر بودن زمان مطالعه و فعالیت‌ها با توجه به نوع درس و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان. - امکان ایجاد کلاس‌های بدون زنگ. - تولید دوره‌های مجازی و دوره‌های زمانی مختلف.
کجا؟	تنوع در مکان یادگیری	- ایجاد برنامه‌درسی برای استفاده در مکان‌های مختلف. - امکان ایجاد کلاس‌ها و فضاهای انعطاف پذیر. - استفاده از کلاس‌ها و فضاهای بیرون کلاس و مدرسه. - امکان انتخاب مکان تدریس، فعالیت‌ها و ارزشیابی برای معلم و شاگرد. - امکان استفاده از مکان‌های طبیعی و تاریخی و هنری (موزه‌ها) در آموزش.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]



شکل شمارهٔ ۱: طرح الگوی برنامه‌درسی با رویکرد شخصی‌سازی مبتنی بر هنرمفهومی در دورهٔ ابتدایی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

بحث و نتیجه گیری

هنر یکی از حوزه‌هایی است که به عنوان یک هویت یا دیدگاه مهم به غیر از سه منبع سنتی (یادگیرنده، علم و جامعه) در مطالعات برنامه‌درسی، از قرن ۲۰، توسط اندیشمندان متعدد مطرح و تاثیرات مثبت آن در یاددهی‌ویادگیری اثبات گردیده است. پاکباز در دایرةالمعارف هنر درباره هنرمفهومی می‌نویسد: «در این نظریه (هنرمفهومی) مفهوم (انگاشت کلی از موارد خاص) اهمیت دارد و نه چگونگی ارائه آن. فکر هنرمند مهم است و نه شئ هنری. هدف رسانیدن مفهوم به مخاطب است، وسیلهٔ بیان هر چه باشد (پاکباز، ۱۳۸۷).

در این پژوهش از بررسی ۱۴ نوع از انواع هنرمفهومی ۱۸۰ ویژگی شناسایی شد سپس با استفاده از روش سنتزپژوهی ۳۹ مقولهٔ اولیه و در نهایت ۹ مقولهٔ اصلی استخراج گردید. مقوله‌های بدست آمده با ارکان یادگیری‌شخصی (سبک، چگونگی، سطح، محتوا، راهبرد و روش تدریس، رسانه، ارزشیابی، وقت و مکان) تلفیق گردید. الگوی بدست آمده برای متخصصان سه حوزه برنامه‌درسی، هنر و نیز معلمان دورهٔ ابتدایی جهت بازبینی فرستاده شد و پس از لحاظ کردن نظرات آنان الگوی نهایی ترسیم شد. الگوی بدست آمده در شکل شمارهٔ ۱ ارائه شده است.

به نظر می رسد با توجه به تحول رویکردهای یاددهی‌ویادگیری در این زمان می‌بایست به خلق موقعیت‌ها با رویکرد هنر توجه نمود. این اقدام می‌تواند توسط ویژگی‌های متنوع هنرمفهومی محقق گردد. موارد ظهور ویژگی‌های هنرمفهومی در ارکان برنامه-درسی شخصی‌سازی و پیشنهاداتی در راهبردهای اجرایی توسط معلم با توجه به تفاوت‌های یادگیری دانش‌آموزان شامل موارد ذیل است:

- **سبک، تنوع در سبک‌ها با ارزیابی و تشخیص سبک یادگیری دانش‌آموزان توسط معلم**

اصطلاح **سبک یادگیری** به ایده‌ای گفته می‌شود که هر دانش‌آموز به روش خود می-آموزد. به طور خاص، سبک یادگیری راهی ترجیحی است که دانش‌آموز قادر به

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

یادگیری و حفظ اطلاعاتی که یاد می‌گیرد و یا استفاده می‌کند (هاسول، ۲۰۱۷). سبک یادگیری عبارت است ازاینکه هر یادگیرنده، شیوه‌های منحصر، متمایز و شخصی را جهت یادگیری و حفظ دانش جدید به کار ببرد (دان‌ودان، ۱۹۹۳). منابعی که دانستن سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان در کلاس درس را برای معلمان لازم دانسته اند عبارتند از: گاردنر (۱۹۸۳)، کلب (۱۹۸۴)، هانی و مامفورد (۱۹۸۶)، فلدر و سیلورمن (۱۹۸۸)، ریف (۱۹۹۲)، دان‌ودان (۱۹۹۳)، مک‌کارتی (۱۹۹۰ و ۲۰۰۲)، بارتل (۲۰۱۵)، راودیس (۲۰۱۸) و شنینگر، (۲۰۲۰). منابعی که سبک‌های یادگیری را به عنوان رکن در شخصی-سازی یادگیری بیان داشته‌اند عبارتند از: هارگریوز (۲۰۰۶)، کیف و جنکنز (۲۰۰۷)، مک‌ری (۲۰۱۰)، ایزومستی‌ایو (۲۰۱۲)، بارتل (۲۰۱۵)، پین وهمکاران (۲۰۱۷)، ماهون (۲۰۱۶)، گراف (۲۰۱۷)، روندادوبک (۲۰۱۷)، راودیس (۲۰۱۸)، وندارآرک (۲۰۱۸) و شنینگر (۲۰۲۰). راهبردهای اجرایی **سبک یادگیری** در برنامه‌درسی شخصی‌سازی با توجه به ویژگی‌های هنرمفهومی موارد فوق است: ایجاد تنوع در برنامه‌درسی (انگیزشی، توسعه مفهوم، تمرینی و کاربردی) با توجه به سبک‌های یادگیری (تجربه عینی، مشاهده تأملی، مفهوم‌سازی انتزاعی، آزمایشگری فعال) برای دانش‌آموزان با توجه به تفاوت‌های فردی (ابتکاری-تخیلی، تخیلی، تعقلی و فعال)/ مالکیت دانش‌آموز در انتخاب سبک یادگیری.

آنچه از این رکن در این الگو بر می‌آید آن است که معلم بر اساس کشف سبک‌های یادگیری شاگردان، برنامه های درسی متفاوتی طراحی نماید و با ایجاد بستری مناسب اجازه دهد دانش‌آموزان با توجه به تفاوت‌های فردی انتخاب نماید. مثلا اگر دانش-آموزی سبک یادگیریش آزمایشگری است اجازه دهد با طرح آزمایش به مفهوم مورد نظر دست یابد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

- **چگونگی، تنوع در راههای یادگیری از طریق طراحی مسیرهای یادگیری مختلف**

منابعی که **چگونگی** را به عنوان رکن در شخصی‌سازی یادگیری بیان داشته‌اند عبارتند از: مک‌ری (۲۰۱۰)، بارتل (۲۰۱۵)، پین وهمکاران (۲۰۱۷)، ماهون (۲۰۱۶)، روندا-دوبک (۲۰۱۷) و شنینگر (۲۰۲۰). راهبردهای اجرایی **چگونگی یادگیری** در برنامه-درسی شخصی‌سازی با توجه به ویژگی‌های هنر مفهومی موارد فوق است: ایجاد یک برنامه‌درسی با تعداد زیادی راه یادگیری با همان محتوا / امکان حق انتخاب (راههای یادگیری) در انجام فعالیت‌ها/ امکان خلاقیت و نوآوری در موقعیت‌های یادگیری/ ایجاد برنامه‌های ابتکاری در مسیر یاددهی‌یادگیری/ قابلیت انعطاف در برنامه‌درسی طراحی شده.

آنچه معلم از این قسمت می‌تواند استفاده کند ایجاد بستری برای خلاقیت و نوآوری برای شاگردان و اجازهٔ انتخاب به آنها در مسیرهای مختلف برای رسیدن به اهداف آموزشی مورد نظر در دروس مختلف است. به عنوان مثال در درس علوم اجازه دهد با استفاده از طراحی مدار الکتریکی به صورت ماکت، یا ساخت یک مدار الکتریکی واقعی و یا طراحی مدار شبیه سازی شده در دنیای مجازی به یادگیری بپردازد.

- **سطح، تنوع در سطوح محتوا و فعالیت‌ها (با توجه به تفاوت‌های فردی)**

منابعی که **سطح** را به عنوان رکن در شخصی‌سازی یادگیری بیان داشته‌اند عبارتند از: ماهون (۲۰۱۶)، روندادوبک (۲۰۱۷)، گراف (۲۰۱۷) و شنینگر (۲۰۲۰). راهبردهای اجرایی **سطوح یادگیری** در برنامه درسی شخصی‌سازی با توجه به ویژگی‌های هنرمفهومی موارد فوق است: ایجاد برنامه‌درسی با سطوح مختلف (از آسان به مشکل) برای عمیق‌تر شدن یادگیری‌یادگیرندگان (از مبتدی به متبحر یا تسلط)/ امکان حق انتخاب در انواع سطوح محتوا و فعالیت‌ها (بر اساس شرایط دانش‌آموز)/ قابلیت انعطاف در فعالیت‌های دانش‌آموزان/ ایجادآکادمی‌ها و جوامع یادگیری کوچک.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

معلم با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان فعالیت‌ها و تمرین‌ها را در سطوح مختلف (از آسان به مشکل) طراحی نماید. مثلا در درس ریاضی در سه سطح تمرین طراحی نماید و با توجه به سطح شاگردان از آنها بخواهد که به حل آنها بپردازند.

- **محتوا، تلفیق محتوا با مسائل مختلف زندگی**

منابعی که **محتوا** را به عنوان رکن در شخصی‌سازی یادگیری بیان داشته‌اند عبارتند از: بارتل (۲۰۱۵)، ماهون (۲۰۱۶)، روندادوبک (۲۰۱۷) و گراف (۲۰۱۷). راهبردهای اجرایی **محتوای یادگیری** در برنامه درسی شخصی‌سازی با توجه به ویژگی‌های هنرمفهومی موارد فوق است: تلفیق با مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه در محتوا/ توجه به چند فرهنگی (توجه به دیگری) در محتوا/ توجه به مسائل زیست-محیطی و بازیافت در محتوا/ تلفیق مسائل جهانی در محتوا/ بومی‌سازی محتوا.

آنچه از این رکن در الگوی فوق بر می‌آید آن است که معلم می‌تواند محتوای برنامه درسی را با مسائل مختلف زندگی تلفیق نماید. به عنوان مثال می‌تواند برای بحث آلودگی‌های محیط زیست در درس علوم تجربی از شاگردان بخواهد آلودگی‌های پیرامون خود را کشف و راه حل‌های برای رفع آن پیشنهاد دهند. یا در آموزش بعضی از مباحث در ادبیات یا علوم تجربی از روش ایفای نقش و قومیت‌های مختلف بهره ببرد.

- **راهبرد و روش‌های تدریس، تنوع در روش‌ها**

منابعی که **راهبرد و روش‌های‌تدریس** معلم را به عنوان رکن در شخصی‌سازی یادگیری بیان داشته‌اند عبارتند از: هارگریوز (۲۰۰۶)، مک‌ری (۲۰۱۰)، بارتل (۲۰۱۵)، پین وهمکاران (۲۰۱۷)، ماهون (۲۰۱۶)، گراف (۲۰۱۷) و راودیس (۲۰۱۸). **راهبردهای اجرایی و روش‌های تدریس معلم** در برنامه‌درسی شخصی‌سازی با توجه به ویژگی-های هنرمفهومی موارد فوق است: تلفیق در روش‌ها و تعامل با مخاطب در فرایند تدریس/ تلفیق انواع هنر در تدریس/ توجه به ایده، مفهوم و تخیل در تدریس/ امکان نقد در فرایند تدریس/ تنوع در موضوعات، سبک‌ها و تکنیک‌ها در تدریس/ امکان

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

ایجاد خلاقیت و نوآوری در تدریس/ ایجاد برنامه‌های کار و مطالعه و کارآموزی/ امکان یادگیری مبتنی بر پروژه/ ایجاد روابط، همکاری و ارتباطات با دیگر دانش‌آموزان در فرایند آموزش/ آموزش خودراهبری در فعالیت‌ها برای دانش‌آموزان.

در این رکن معلم می‌تواند با ایجاد تنوع و تلفیق در روش‌ها و راهبردهای تدریس و تعامل با دانش‌آموزان انگیزهٔ آنها به یادگیری را ارتقا دهد و آنها را علاقه‌مند به آموزش و یادگیری نماید.

- **رسانه، تنوع در رسانه**

منابعی که **رسانه** را به عنوان رکن در شخصی‌سازی یادگیری بیان داشته‌اند عبارتند از: هارگریوز (۲۰۰۶)، مک‌ری (۲۰۱۰)، بارتل (۲۰۱۵)، پین وهمکاران (۲۰۱۷)، ماهون (۲۰۱۶)، گراف (۲۰۱۷)، راودیس (۲۰۱۸) و شنینگر (۲۰۲۰). راهبردهای اجرایی **رسانه** در برنامه‌درسی شخصی‌سازی با توجه به ویژگی‌های هنرمفهومی موارد فوق است: امکان استفاده از انواع رسانه و تکنولوژی برای رساندن پیام و تکالیف/ امکان دسترسی به محتوا و منابع دیجیتالی، منابع انسانی و ابزارها توسط دانش‌آموز/ امکان استفاده از وسایل الکترونیکی شخصی/ استفاده از فضای مجازی/ استفاده از چند فناوری.

در قرن حاضر و با توجه به رسانه‌های مختلف معلم می‌تواند امکان استفاده از تکنولوژی‌های مختلف را برای دانش‌آموزان فراهم نماید. به عنوان مثال شاگردان اجازه داشته باشند با انتخاب رسانه مورد علاقه تکالیفشان را انجام و ارسال نمایند.

- **ارزشیابی، تنوع در ارزشیابی**

منابعی که **ارزشیابی** را به عنوان رکن در شخصی‌سازی یادگیری بیان داشته‌اند عبارتند از: بارتل (۲۰۱۵)، ماهون (۲۰۱۶)، راودیس (۲۰۱۸) و شنینگر (۲۰۲۰). راهبردهای اجرایی **ارزشیابی** در برنامه‌درسی شخصی‌سازی با توجه به ویژگی‌های هنرمفهومی موارد فوق است: امکان انتخاب در نوع ارزشیابی بر اساس تفاوت‌های فردی دانش-آموزان/ امکان تلفیق انواع ارزشیابی (از طریق فناوری، خودارشیابی، توسط دانش‌آموز و همسال‌سنجی)/ امکان تلفیق انواع هنرها در ارزشیابی/ امکان ایجاد خلاقیت و نوآوری

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

در ارزشیابی/ ایجاد فضای ارزشیابی مشارکتی/ ایجاد فضایی برای ارزشیابی فرایند یادگیری و تجربیات دانش‌آموزان/ بازخورد معنی‌دار و به موقع در طی فرایند یادگیری برای پیشرفت و اصلاح/ وجود ابزارهای تحلیلی برای پشتیبانی از روش‌ها (یادگیری، آموزش و مدیریت)/ امکان نگاه نقادی در ارزشیابی موقعیت‌های یادگیری.

آنچه از ارزشیابی به عنوان یکی از ارکان آموزش در این الگو می‌تواند مورد توجه معلمان قرار بگیرد ایجاد بستری برای انجام ارزشیابی‌های متنوع و تلفیق آنها و بازخورد سریع برای درک بهتر مفاهیم و رفع اشکالات در ادامه فرایند آموزش برای شاگردان است.

- **وقت (زمان)، گزینه‌هایی بامحدودیت‌های زمانی متفاوت:**

منابعی که **وقت یا زمان** را به عنوان رکن در شخصی‌سازی یادگیری بیان داشته‌اند عبارتند از: مک‌ری (۲۰۱۰)، بارتل (۲۰۱۵)، روندادوبک (۲۰۱۷)، پین وهمکاران (۲۰۱۷)، ماهون (۲۰۱۶)، گراف (۲۰۱۷)، راودیس (۲۰۱۸) و شنینگر (۲۰۲۰). راهبرد-های اجرایی **وقت یا زمان** در برنامه‌درسی شخصی‌سازی با توجه به ویژگی‌های هنرمفهومی موارد فوق است: ایجاد برنامه‌درسی برای استفاده در هر زمان (مدرسه و خارج مدرسه)/ ایجاد یادگیری طی زمان‌های مختلف برای دانش‌آموزان تا رسیدن به حد تسلط (آموزش برنامه‌ای)/ امکان متغیر بودن زمان مطالعه و فعالیت‌ها با توجه به نوع درس و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان/ امکان ایجاد کلاس‌های بدون زنگ/ تولید دوره‌های مجازی/ تولید دوره‌های زمانی مختلف.

آنچه از زمان به عنوان رکن در این الگو می‌تواند مورد استفاده معلمان باشد توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و انعطاف در بازه‌های زمانی مختلف در یادگیری و انجام تکالیف و همچنین استفاده از زمان‌های خارج از محدودهٔ کلاس با برنامه مختلف پیشنهادی به دانش‌آموزان است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

- **مکان، تنوع در مکان یادگیری:**

منابعی که **مکان** را به عنوان رکن در شخصی‌سازی یادگیری بیان داشته‌اند عبارتند از: مک‌ری (۲۰۱۰)، بارتل (۲۰۱۵)، روندا دوبک (۲۰۱۷)، پین و همکاران (۲۰۱۷)، ماهون (۲۰۱۶)، گراف (۲۰۱۷)، راودیس (۲۰۱۸) و شنینگر (۲۰۲۰). راهبردهای اجرایی **مکان** در برنامه‌درسی شخصی‌سازی با توجه به ویژگی‌های هنرمفهومی موارد فوق است: ایجاد برنامه‌درسی برای استفاده در مکان‌های مختلف/ امکان ایجاد کلاس‌ها و فضاهای انعطاف پذیر/ استفاده از کلاس‌ها و فضاهای بیرون کلاس و مدرسه/ امکان انتخاب مکان تدریس، فعالیت‌ها و ارزشیابی برای معلم و شاگرد/ امکان استفاده از مکان‌های طبیعی و تاریخی و هنری (موزه‌ها) در آموزش.

آنچه از این مهم بر می‌آید آن است که در این الگو فضاسازی برای یادگیری می‌تواند به عنوان یکی از ارکان آموزش مورد توجه معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی باشد .برگزاری کلاس‌های درس در مکان‌های تاریخی مانند موزه‌ها برای دروسی مانند: تاریخ، جغرافیا و اجتماعی، برگزاری کلاس در طبیعت مانند: پارک‌ها و جنگل‌ها و منابع طبیعی برای دروسی مانند علوم تجربی، جغرافیا می‌تواند محیط‌های غنی یادگیری را ایجاد کند. در این رویکرد تنوع و انعطاف در محیط‌های یادگیری به عنوان یکی از ارکان برنامه درسی محسوب می‌شود و باعث ایجاد انگیزه شده و موقعیت های بادگیری فراوانی برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد.

با استفاده از الگوی پیشنهادی می‌توان بین برنامه‌درسی و مفاهیم هنر مفهومی پیوند برقرار کرد. با این پیوند، موقعیت‌های یادگیری بسیار نوآورانه شده و محدودیت آموزش و تدریس تبدیل به گستره‌ای از تکنیک‌ها، رویکردها و روش‌های مفیدخواهد شد. براساس نتایج این پژوهش به معلمان و مجریان برنامه‌درسی پیشنهاد می‌شود که در اجرای برنامه‌درسی دورهٔابتدایی به ویژگی‌های هنرمفهومی از هنرهای عصرپست‌مدرن در برنامه‌درسی توجه داشته باشند. از این رو به مؤسسات آموزشی پیشنهاد می‌شود تا ضمن توسعهٔ تخصصی افراد نسبت به ایجاد نگرش مثبت نسبت به هنر در آموزش به-خصوص هنر عصر حاضر در هر چه بهتر شدن برنامه‌های درسی بکوشند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

منابع

آرچر، مایکل (۱۳۹۶). **هنر بعد از ۱۹۶۰**. ترجمه کتایون یوسفی. چاپ پنجم. نشر: حرفه هنرمند.

آزبورن، پیتر (۱۳۹۰). **هنرمفهومی**. ترجمه: نغمه رحمانی، تهران. نشر: مرکب سپید.

اخگر، مجید (۱۳۹۶). گزارش تصویری نمایشگاه پروسه در گالری آ. پروسهٔ خلق اثر هنری فراتر از شیء هنری است!. **مجلهٔ خبری، تحلیلی و پژوهشی هنرهای تجسمی آوام**. ۱۶ مرداد ۱۳۹۶.

اسماگولا، هواردجی (۱۳۸۱). **گرایش‌های معاصر در هنرهای بصری. مترجم: فرهاد غبرائی**. چاپ اول. تهران. نشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

افهمی، رضا (۱۳۹۸). **گفتگو در بارهٔ هنرمفهومی در دانشگاه تربیت مدرس**.

امیر حاجبی، علیرضا (۱۳۹۸). **هستی‌شناسی هنرمفهومی (گفت‌وگوها و مقاله‌هایی از هنرمندان معاصر)**. گردآوری و ترجمه علیرضا امیر حاجبی. تهران. نشر: مان کتاب، کارگاه اتفاق.

انتظامی، مهسا. سیف نراقی، مریم و نادری، عزت‌الله (۱۳۹۴). عملکرد تربیت هنری بر مبنای عناصر برنامه‌درسی در درس علوم‌تجربی پایه ششم‌ابتدایی در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ شهر تهران. **فصلنامه تعلیم‌وتربیت**. شماره ۱۲۹ علمی- پژوهشی (وزارت علوم)/ ISC. ازصفحهٔ ۷۵ تا ۹۲).

بابایی، محمود (۱۳۹۲). رسانه‌های دیجیتال: مشارکت‌پذیری و فناوری‌محوری. **ماهنامهٔ الکترونیکی انجمن علمی مدیریت اطلاعات ایران**. دورهٔ ۱ شمارهٔ ۲.

بخشی، علی، الف (۱۳۸۴). ویدئوآرت، پرسش‌های کهنه از رسانهٔ نو. **هفته‌نامه هنرهای تجسمی تندیس‌دو**، شماره ۶۶.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

بخشی، علی، ب (۱۳۸۴). ویدئوآرت، شرح اصطلاحات. **هفته‌نامه هنرهای تجسمی تندیس‌دو**، شمارهٔ ۶۸ تا ۷۱.

پاکباز، رویین (۱۳۸۷). **دایره المعارف هنر**. تهران. نشر: فرهنگ معاصر.

پاکیزه، علی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر شیوهٔ آموزشی تلفیقی هنر بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان پسر سال اول‌دبستان. **فصلنامه مرکز مطالعات و توسعهٔ‌آموزش علوم-پزشکی توسعه جندی‌شاپور**. سال‌ششم. شمارهٔ۱.

تمنایی‌فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹). تأملی در کارکردهای تربیت هنری در نظام آموزشی. **رشدآموزش هنر**؛ دورهٔ هشتم، شمارهٔ دوم، زمستان ۱۳۸۹.

جاویدی‌کلاته‌جعفرآبادی، طاهره و عبدلی، افسانه (۱۳۹۶). زیبایی‌شناسی و هنر از دیدگاه ماکسین‌گرین و اشارات تربیتی آن. شماره ۲۶ علمی- پژوهشی (وزارت علوم). ISC از صفحهٔ ۳۱ تا ۵۵.

چولاندیم، عیسی. هنرمفهومی. **وب‌سایت‌آرت‌گالریز در حوزه‌های هنرهای-تجسمی**. http://artgalleries.ir/article/conceptual-art/

خوش‌نظر، سید رحیم و نادعلیان، احمد (۱۳۸۸). ویدئو آرت رسانه‌ای نو در قلمرو هنر جدید. **مجلهٔ کتاب ماه‌هنر**. تیرماه.

داموند، احمد (۱۳۹۷). **بازیگری و پرفرمنس‌آرت**. چاپ پنجم. تهران. نشرمرکز.

دانشگر، فهیمه و سنجی، مونس (۱۳۹۶). حفاظت از محیط‌زیست: اهداف هنرمندان آثار هنری ساخته شده از اشیاء بازیافتی و مصرفی (کلاژ و مجسمه). اولین همایش بین-المللی مبانی نظری هنرهای تجسمی ایران با رویکرد محیط‌زیست. **مجله سیویلیکا نشر تخصصی کنفرانس‌های ایران**.

دلداده، زهره (۱۳۹۱). **هنرمحیطی**. در سایت‌تبیان.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

راش، مایکل (۱۳۸۹). **رسانه‌های نوین در هنرقرن‌بیستم**. ترجمه بیتا روشنی. چاپ اول. تهران. نشر: نظر.

رحیمی، محمودرضا (۱۳۸۵). دربارهٔ زیبایی‌شناسی در پرفورمنس. درگاه تخصصی هنرهای نمایشی ایران. **ایران تئاتر.**

رشتیانی، برزو (۱۳۹۶). شخصی‌سازی‌یادگیری، پارادیمی جدید درآموزش‌های شایستگی‌محور هزارهٔ سوم. **پنجمین کنفرانس ملی آموزش و توسعهٔ سرمایه‌های انسانی**. تهران. ۲۹ الی ۳۰ بهمن.

رهبرنیا، زهرا و داوری، روشنک (۱۳۹۴). بررسی تعزیه و هنراجرا (پرفورمنس آرت). مجلهٔ علمی‌پژوهشی پژوهشکدهٔ هنر، **معماری و شهرسازی نظر**. سال چهاردهم، شمارهٔ ۴۹.

سعیدی کیاسری، علیرضا (۱۳۹۰). **هپنینگ مشارکت تماشاگر و بازیگر**. چاپ در شمال نیوز.

زیبا کلام، فاطمه و قاسمی، مریم (۱۳۹۲). نگاه زیباشناسانه در آرای تربیتی وایتهد. **نشریهٔ پژوهش‌های معرفت شناختی (آفاق حکمت)**.دورهٔ ۱ شمارهٔ ۳.

سمیع‌آذر، علیرضا (۱۳۹۶). **انقلاب مفهومی، تاریخ هنر معاصر جهان**. جلد دوم. چاپ سوم. تهران. مؤسسه فرهنگی پژوهش چاپ ونشر: نظر.

شالیان، رحیم. سعیدی رضوانی، محمود. امین‌یزدی، .سیدامیر. کارشکی، حسین و اصغری‌نکاح، سیدمحسن (۱۳۹۴). تأملی در باب شأن الگو در قلمرو طراحی برنامه-درسی. **مجله پژوهش‌نامه مبانی تعلیم‌وتربیت** سال پنجم. شمارهٔ ۲.

شورت، ادموندسی (۱۳۹۴). **روش‌شناسی مطالعات برنامه‌درسی**. ترجمهٔ دکتر محمود مهرمحمدی و همکاران. تهران. نشر: سمت.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

صابری، رضا. کیذوری، امیرحسین. محبی‌امین، سکینه و پورکریمی هاوشکی، مجتبی (۱۳۹۴). طراحی الگوی برنامه‌درسی هنر آموزش‌های عمومی (ابتدایی و متوسطه اول)، **فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی ایران**، سال دهم، شماره ۹۳، زمستان ۱۳۹۴.

ضیایی، گیتی. رضایی، اکبر و واحدی، مجید (۱۳۹۷). تاثیر برنامه‌درسی تلفیقی با هنر بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی سیلوانا. **پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم‌تربیتی و سبک زندگی** (۲۰۱۸).

عزیزیه، ندا. کلاه‌کج، منصور (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی مفهوم اثر هنری در دوران مدرن و پست مدرن و تأثیرآن بر فرآیند موزه‌ای شدن اثر (با تأکید بر آثار تجسمی). **فصلنامه، دانشکده هنر**؛ دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره نهم، شماره ۲۱، پائیز ۹۹.

قلعه، رضا (۱۳۸۹). هنر محیطی (بررسی تاریخی و نظری). مجله نظر. شماره هفتم.

کاظم‌پور، اسماعیل (۱۳۹۵). تأثیر آموزش تلفیقی هنر در ریاضی بر میزان یادگیری و خلاقیت دانش‌آموزان. **فصلنامهٔ علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی**. دورهٔ ششم، شمارهٔ یک.

کوبیت، شو (۱۳۷۷). **ویدئونگاری رسانه‌های ویدئویی به مثابه هنر و فرهنگ**. ترجمه: مهوش تابش. چاپ اول. تهران. نشر: ایثارگران.

کیان، مرجان و مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). شناسایی وجوه و ابعاد مغفول برنامه-درسی هنر دورهٔ ابتدایی. **دو فصلنامه علمی_ پژوهشی دانشگاه شاهد**. سال بیستم-دورهٔ جدید. شمارهٔ ۳. پاییز و زمستان ۱۳۹۲.

گرمابی، حسن‌علی، ملکی، حسن. بهشتی، سعید و افهمی، رضا (۱۳۹۴). بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه‌درسی از منظر منابع مکتوب و دیدگاه صاحبنظران **فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی ایران**، سال دهم، شماره ۹۳، زمستان ۱۳۹۴.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

گلد برگ، رزلی (۱۳۸۸). **هنراجرا**. مترجم مریم نعمت طاووسی. تهران. نشر: نمایش (وابسته به مؤسسهٔ انجمن نمایش).

لوسی اسمیت، ادوارد (۱۳۹۰). **مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم**. ترجمه: دکتر علیرضا سمیع‌آذر. چاپ چهارم. تهران. نشر: نظر.

لوسی‌اسمیت، ادوارد (۱۳۹۶). **جهانی شدن و هنر جدید (مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم)**. ترجمه: دکتر علیرضا سمیع‌آذر. چاپ دهم. تهران. نشر: نظر.

لینتن، نوربرت (۱۳۸۲). **هنرمدرن**. ترجمه علی رامین. چاپ سوم. تهران. نشر: نی.

مارزونا، دانیل (۱۱۳۹۶). **هنرمفهومی**. ترجمه فاطمه عبادی. چاپ دوم. تهران. نشر: کتاب آبان.

مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۴). جلسهٔ ۸۲۶ شورای عالی آموزش‌وپرورش در چشم انداز ۱۴۰۴.

ملکی، شبنم. و بهشتی، میلاد (۱۳۹۸). هنرزمینی کنشی نامتعارف / نگاهی به (Land Art) و هنرمندان مطرح هنرخاکی. **چاپ در سایت هنرآنلاین** Honaronline.ir.

مهرمحمدی، محمود و امینی، محمد (۱۳۸۰). طراحی الگوی مطلوب تربیت هنری دورهٔابتدایی و مقایسهٔ آن با وضعیت موجود. **فصلنامهٔ علوم انسانی دانشگاه الزهرا**، سال یازدهم ، شمارهٔ ۳۹.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳). **آموزش هنر، چیستی، چرایی و چگونگی** . تهران. نشر: مدرسه.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۶). **بازاندیشی فرایند یاددهی- یادگیری و تربیت معلم**. نشر: مدرسه.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۹). تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم‌وتربیت: درس‌های خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر.**فصلنامه تعلیم و تربیت** شمارهٔ ۱۰۵.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰). تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم‌وتربیت: درس‌های خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر. **فصلنامه تعلیم‌وتربیت**. سال بیست و هفتم، شماره ۱ بهار ۹۰.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). تأملی بر مقوله تولید و تدوین برنامه‌درسی با تأکید بر اندیشه آیزنر: مأموریت منسوخ یا معتبر در رشته برنامه‌درسی؟. **مجلهٔ رویکردهای نوین آموزشی**. دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان. سال هشتم، شمار ۀ ۱، شمارهٔ پیاپی ۱۷، بهار و تابستان. ص ۱ تا ۲۰.

مهرمحمدی، محمود و کیان، مرجان (۱۳۹۷). **برنامه‌درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش**. چاپ سوم. تهران. نشر: سمت.

وب سایت ایبردرولا www.iberdrola.com › culture › recycled-art.

هرمن، دیوید (۱۳۹۳). **عناصر بنیادین در نظریه‌های روایت**، ترجمه حسین صافی، تهران، نشر: نی.

Baker, Dawn .(2013). Art Integration and Cognitive Development. University of South Carolina- Columbia. *Journal for Learning through the Arts*, 9 (1).

Barret, Terry. (2012). *Criticizing: understanding the contemporary, 3 rd ed, The Ohio state university*. Mayfield Publishing Company. Mountain View, California.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

Bartle, Dr Emma. (2015). personalized learning an overview. Institute for Teaching and Learning Innovation. Institute for Teaching and Learning Innovation. itali.uq.edu.au | itali@uq.edu.au

Bordalo, Arthur . (2016). New Animalistic Trash Sculptures by Bordalo II Spring Up Around the Globe

Broudy, H.S. (1972). Enlightened Cherishing: An essay on Aesthetic Education. University of Illinois press, Urbana.

Bourriaud, Nicolas. (2002). Relational Aesthetics, trans. Simon Pleasance and Fronza Woods (Paris: les. presses du reel, 109; 113.

Chalmers, I. Hedges, L & Cooper, H. (2002). A brief history of research synthesis. Evaluation and Health Professionals, 25, Pp: 12-37.

Chistyakova, Olga. (2018). Postmodern Philosophy and Contemporary Art. Conference Paper· January 2018. DOI: 10.2991/icadce-18.2018.26. Peoples' Friendship University of Russia. 19 PUBLICATIONS 24 CITATIONS.

Coleman, A.D. (1972), "I'm Not Really A Photographer", The New York Times.

Danto, Arthur Coleman. (2013). What an art. https://books.google.com/books.

Deasy, Richard (ED). (2002). Critical Links: Learning in the Art and Student Academic and Social Development. Washington, DC: Arts Education Partnership.

Dewey, John. (1934). The art as experience. New York: Published at 1958 by Capricorn Books, G.P Putnam`s Sons.

Dubec, Rhonda. (2017). Personalized Learning https://teachingcommons.lakeheadu.ca/personalized-learning.

Duchamp, Marcel. (2013). Bicycle Wheel: The Story of Marcel Duchamp’s Pioneering Style. https://blog.singulart.com/en/2020/05/01/bicycle-wheel-1913-the-story-of-marcel-duchamps-pioneering-style.

Dunn, R. & Dunn, K. (1993). Teaching secondary students through their individual learning styles: Practical approach for grades 7-12. Boston: Allyn and Bacon.

Eisner, E. (1998). Does Experience in the Art Boost Academic Achievement? In The Kind of Schools We Need. Pp. 87, 100.

Eisner, Elliot. W. (2008a). Art and knowledge. In G. J. Knowles, & A. L. Cole (Eds.), Handbook of the arts in qualitative research: Perspectives, methodologies, examples and issues (pp. 3-12). Los Angeles: Sages Publications.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

Eisner, Elliot. W. (2002). The art and the creation of mind. Yale university press/new haven and London.

Felder, R. M. and Silverman, L. K. (1988). Learning and teaching styles in engineering education. Engineering Education.78, 7. 674–681.

Fullan, M. (2009). Michael Fullan's Answer to "What Is Personalized Learning?" Microsoft Education Partner Network. Retrieved August 19, 2010, at http://cs.mseducommunity.com/wikis/personal/michael-fullan-s-answer-to-quot-what-is-personalized-learning-quot/revision/3.aspx.

Gardner, H. (1983).frames of mind: the theory of multiple Intelligence, New York: Basic book.

Gottlieb, Baruch. (2010). "Los signos vitals del arte processual". Lab oral Centro de Arte. Retrieved May 17, 2020.

Green, Maxine. (1984). The art of being present: educating for aesthetic encounters. Journal of education. Volume 166. Number 2. Trustecs of Boston University.

Greene, Maxine. (2005). Teaching in a moment of crisis: The spaces of imagination. The New Educator, 1(2), 77-80.

Groff, Jennifer S. (2017). Personalized learning: The state of the field & future directions. Center for Curriculum Redesign.

Hall Christine, Pat Thomson and Lisa Russell. (2007). Teaching like an artist: the pedagogic identities and practices of artists in schools. University of Nottingham School of Education, UK. British Journal of Sociology of Education. Vol. 28, No. 5, September 2007, pp. 605–619.

Hall, Christine & Hall, Pat Thomson. (2016). Creativity in teaching: what can teachers learn from artists?. Research Papers in Education, DOI:10.1080/02671522.2016.1144216.

Hargreaves, D. H. (2006). A new shape for schooling? London, England: Specialist Schools and Academies Trust.

Honey, P. and Mumford, A. (1986). The Manual of Learning Styles, Maidenhead, Peter Honey.

https://www.prodigygame.com/main-en/blog/personalized-learning.

Izmesti ev, Dmitry. (March 2012). Published UNESCO (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization) Institute for Information Technologies in Education. Personalized learning: a new ICT-enabled education approach. for Informative on Technologies in Educate on 8 Kedrova St., Bldg. 3. Moscow, 117292.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

Kaprow, Allan. (1956). Assemblage, Environments and Happenings. New York, Harry, N. Abrams.

Keefe, James W & Jenkins, John M. (2007). Personalized Instruction. Copyright 0 2005 by the Phi Delta Kappa Educational Foundation Bloomington, Indiana.

Kolb, D. A. (1984). Experiential Learning: Experience as the source of learning and development. Englewood Cliffs, N. J.: Prentice-Hall.

LaJevic, Lisa. (2013). A Research Journal on Arts Integration in Schools and Communities. Journal for Learning through the Arts, 9(1).

Lewitt, Soll .(1967). Paragraph on Conceptual Art, first published in Art forum 1967.

Lewy, Arieh. (1991). National and School-based Development. .UNESCO, International Institute for Educational Planning, (Fundamentals of educational planning) Paperback – January 1, 1991.

Li, Hui. (2006). School-Based Curriculum Development: An Interview Study of Chinese kindergartens, Early Childhood Education Journal, 33 (4): 223-229.

Liang, Tan See et al. (2015). Curriculum Integration in Arts Education: Connecting Multiple Art Forms through the Idea of "Space". Journal of Curriculum Studies, 48(5), 610-629

Maccarty, Bernice. Germain, Clif St & Lippitt, Linda. (2002). 4MAT Reserch Guide. About Learning. http://www.4mat.eu/media/17158.

Mahon, K. L. (2016). Personalizing curriculum: Curation and creation. In M. Murphy, S. Redding, & J. Twy man (Eds.), *Handbook on personalized learning for states, districts, and schools* (pp. 117–130). Philadelphia, PA: Temple University, Center on Innovations in Learning. Retrieved from www.centeril.org.

McCarthy, B. (1990). Using the 4MAT system to bring learning styles to schools. Educational Leadership, 48(2), 31-37.

McRae, P. (2010). The politics of personalization in the 21st century. Alberta Teachers' Association Magazine, 91(1), Retrieved from Me Allita Jones, Karen McLean · 2018 · Education.

O'Hagan , Sean. (2009). Why conceptual photography is having a prized moment The Guardian.

Pane, John F. Steiner, Elizabeth D. Baird, Matthew D. Hamilton, Laura S and Pane, Joseph D. (2017). Informing Progress, Insights on

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

Personalized Learning Implementation and Effects. By The RAND Corporation. The RAND Corporation is a nonprofit institution that helps improve policy and decision making through research and analysis.

Raudys , Justin. (2018). 7 Personalized Learning Strategies and Examples.

Reiff, J. C& W. D. (1992). Learning Styles. What Research Says to the Teacher Series. National Education Association.

Schechner, R. (1994). Performance theory. New York: Routledge.

. https://www.thisiscolossal.com/2016/09/bordalo-ii-trash-sculptures/.

Sheninger, Eric. (2020). Personalized Learning: The Why, How, and What. Education is at a crossroads. Eric Sheninger at 1/26/2020 08:50:00 AM.

Skrebowski, Luke. (2009). Systems, contexts, relations: an alternative genealogy of conceptual art. PhD thesis, Middlesex University. [Thesis]

Smit, A. Ralph. (2008). Educational aesthetics and policy. The Journal of policy arts education review. Vol: 109, N: 6, July/ Aguste 2008.

Smite, A. Ralph. (2004). Policy and arts education.. included at: Handbook of research and policy in art education, Edited by Elliot. wEisner and Michael, D. Day .pp. (87-92).Lawrence Erlbaum Associated, Inc.

Stiles, K. & Selz, P. (1996). Theories and documents of contemporary art. California: University of California Press.

Tuazon, Andre. (2015). Integrating Music in the Elementary Classroom. Department of Curriculum, Teaching and Learning. Ontario Institute for Studies in Education of the University of Toronto.

Vander Ark, T. (2018). What Policies and Practices Can Make Learning Personal for All? Did you mean: Wilson and Ken Templeton 2017.

Ward, S.A. (1983). Documentation of consensus building approach knowledge synthesis. In. S. A. Ward and L. G. Reed (Eds.).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

Knowledge structure and use: Implications for synthesis and interpretation (pp. 551 – 574). Philadelphia: Temple University Press.

Whitehead, A.N. (1955). The Aims of Education, Lowe press, Third edition.

Wikipedia.org/wiki/Installation art. This page was edited on 7 July 2020, at 5:26 (UTC).

Wilmeth, Don B. (1993). *Cambridge guide to American theater*. *Cambridge*: Cambridge University Press.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]